

یوم مجاهدین خلق ایران بمناسبت ۱۶ آذر سالروز شهدای اولین گامهای مبارزات ضد امپریالیستی خلق

"بنام خدا"

"بنام خلق قهرمان ایران"

"بنام شهدای بخون خفته دانشگاه سترگ قهرمانی آزادی"

"... یوماً اذحلاله علی الفلق الا بقاؤنا علی کفہ ظالم، ولا سب ظالم (علی علیه السلام)"

"... (روحزین نبود) که خداوند با ۱۶ هزاران جامعه بطور تاریخی و نظری پیمان ستمگست که هرگز بر سیری سستگران و استثمارگران و رنج گسستی رنجبران آرام نگردد..."

بچه در صفحه ۴

نخستین مراسم ۱۶ آذر بعد از سقوط شاه با شکوه فراوان برگزار شد



شهادی ۱۶ آذر در شرایط خفقان و دیکتاتوری پستی و در زیر هجوم وحشیانه گارد دانشگاه به کلاسهای بخش حقیق دانشجویی ایران بود. مراسم ۱۶ آذر در فضای دیگر خاطره آنان را گرمی داشتند. تخریبی که خلق قهرمان را در گریز یک سازه حاد ضد امپریالیستی امریکایی است که هر روز آواز پستی میزند، طبعی است که گرامی داشت خاطره شهادی ۱۶ آذر در این شرایط بی‌بسیار ازنابگشتندی بر هر چه شد امپریالیستی انقلاب معلقان برگزار نمود. بدین ترتیب این مراسم گرامی داشت که روز پنجشنبه ۱۶ آذر در این دانشگاه تهران برگزار گردید ضمن محتوای کلاسیک با تخریب امروز جامعه ما داشت.

بازگشت خاطره اولین شهادی ستمگر آزادی، بزم آرزو را برافراشته می‌آورد.

در برنامه روز پنجشنبه که از طرف خانواده‌های شهادی ۱۶ آذر و با همکاری و باری انجمنهای دانشجویان مسلمان دانشگاهها و دیگر گروهها ترتیب یافته بود، ابتدا دکتر لکلی و سپس دکتر لاهیجی، ظاهر احمدزاده برادر شهید مهدی تراب و رضوی و یکی از اعضای سازمان مجاهدین خلق سخنرانی کردند.

در احوال رهن جان دانشگاه تکلیبی از امام خمینی و آیت الله طالقانی، دکتر خرمینی، شهادی ۱۶ آذر و بلاکاردهای با ضامن ضد امپریالیستی تبریک بدهد. در بین این بلاکاردها جلیلاتی از پیام مجاهدین خلق، به مناسبت ۱۶ آذر و سخنان مهدی رضایی در بندگاه رژیم شاه دیده شدند. در بقیه بلاکاردها با اسامی انجمنهای دانشجویان مسلمان و کمیته برگزار کننده، جلیلات زیر نوشته شده بود: "روز ۱۶ آذر سالروز بودند بچه در صفحه ۴"



سال اول - شماره ۱۲ - دوشنبه ۱۹ آذر ماه ۱۳۵۸ - شماره ۱۵ رسال

پیشنهاد مجاهدین خلق ایران به هیأت ویژه دولت درباره تشکیل شورای ملی صلح کردستان

"بنام خدا"

"بنام خلق قهرمان ایران"

مجاهدین خلق ایران، با اعتماد صمیم به اینکه اوضاع جنگ و برادر کشی در کردستان سرانجام، هیچ برنده‌ای جز امپریالیستی جهانخواهر نداشته و ندارد، و با تأکید بر فرمان مورخ ۲۴/۱۲/۵۷ بان امام خمینی مبنی بر:

"حق اداره امور داخلی و محلی و رفع هر گونه تبعیض فرهنگی و اقتصادی و سیاسی... در پناه اسلام و جمهوری اسلامی، نگرانی خود نسبت به هر گونه انتقال در ادامه مذاکرات صلح را، گنگن است. متحدین جنگ بچه در صفحه ۴"

نمود و ماهیت

نمی توانستیم خودمان را راضی کنیم که دم از "مکتب زدن" ماینز فقط با زبان باشد و با "عمل" مشخص سیاسی روز قطع رابطه کند

باز هم در نهایت خلوص اعلام می‌کنیم که: در خطوط انقلابی ضد امپریالیستی تا پای جان در کنار امام خمینی باقی خواهیم بود، بنحوی که هیچ شبهه و نیرویی را توان آن نخواهد بود که در این مسیر، ما را از سرگذاشتن به قدم امام بازدارد

ما در رفتارند شرکت کردیم، دلایل آن را نیز بارها و بارها گفتیم و نوشتیم. زیرا نمیتوانستیم به هیچ قیمت از اصولمان و از حداقلهایی که از اسلام راستین و انقلابی انتظار داشتیم کوتاه بمانیم. آخر ما مکتب انقلابیان را به رانگان بدست‌نیاوردیم و به تاریکی یعنی پس از انقلاب نیز مسلمان و انقلابی و مجاهد و جمهوری خواهان نبوده‌ایم. بلکه اسلام ما چنانکه در مسیر امام نیز عنوان کردیم: "از میان آتش و خون و شکنجه" به ما رسیده بود. پس چگونه میتوانستیم "حقیقت را فدای "مصلحت" کنیم.

البته فشارها زیاد بوده و هست و زیادتر هم خواهد شد اما نمیتوانستیم خودمان را راضی کنیم که دم از "مکتب زدن" زدیم یا فقط با زبان باشد و با "عمل" مشخص سیاسی روز قطع رابطه کند. بخصوص که ما خود برای نخستین بار در تاریخ اخیر ایران، با ادعای مبارزه انقلابی مکتبی بر مبنای اندمیدیم و لذا رنج و ستمیست خلیف مکتبی بودن را بهتر از هر مدعی دیگر لسن کرده بودیم. و انگیزی مگر جز این است که: "تبعیضی یک عمر مواجبه میدهند. فقط بچه در صفحه ۴"

خلق سلاح (۴)

ارزش، اهمیت و کاربرد سلاح از نظر مجاهدین خلق:

سلاح یک انقلابی وسیله است برای اجرای اهداف و آرمانهای انقلابی او

مجاهدین خلق ایران از بدو برخوردار باشد. بلکه تفاوت و برتری بسازندگاری سازمان ما نکه بر آید. یعنی انقلابی اسلام که اساساً حل تضادهای طبقاتی تاریخ را در گرو تهر انقلابی نودهما میداند، داشتن سلاح را برای خود امری طبیعی دانسته و از آنجا که در سالهای پس از خرداد ۲۲ سلاح خود پیدا می‌کند. و همین قید و بند سازنده امپریالیستی را در قالب حرکت سازمان یافته یک تشکیلات سیاسی - نظامی مدعی بودیم، ما اساساً در یک نبرد مداوم شرکت جویند و رژیم پهلوی برای خود فرصت می‌آوردیم تا همه این اموات را حصول صلاحیت جهت استفاده از سلاح (مانند هر نعمت دیگری) دوره‌ای طولانی را به ما مدعی سیاسی - آید. لوزیک برداریم. چرا که آید بیدیم اسلحه باستی در خدمت آرمان های مقتصدان قرار بگیرد. حضرت علی (ع) در اینباره میفرماید:

"... و حملوا بامرهم علی اسلحتهم" سلاح یک انقلابی وسیله است برای اجرای اهداف و آرمانهای انقلابی او. و نیز دریافتیم که تفاوت یک سازمان انقلابی با یک گروه مسلح تنها در آنست که در دست منابع تاریخ (سلاح) در خدمت منابع تاریخ خود قرار میدهند. و به این وسیله جان و مال و تابوس مردم را مورد تهدید قرار میدهند به هیچ وجه در برتری نظامی آن تشکیلی نیستند. و چه بسا آن گروه در نظامی از برتری نظامی نیز بچه در صفحه ۴"

دوباره کردستان

پیشنهاد مجاهدین خلق: مکتب انس ملی صلح کردستان

خودداری از مذاکره با هریران و احزاب مورد اعتماد مردم کردستان، در واقع چیزی جز اعلام جنگ مجدد در منطقه قوت است

پس از ترمز قدرت های تصمیم گیری و اجرایی در شورای انقلاب، دیگر آنچه که به دولت مرکزی مربوط میشود، هیچ بهانه‌ای برای جنگ افروزی نباید پذیرفته شود.

پس از پیام اخیر امام خمینی در مورد کردستان و آتش بس طرفین، جنگ افروزی به بهانه‌های واهی، خیانت به انقلاب و شخص امام محسوب میشود.

این شکل از مردم گرایی! "آهن بدون توجه به امر" رهبری" چیزی جز نادیده گرفتن نقش "سر در یک بدن" نیست

شماره‌های مجاهد گفته بودیم که تا آنجا که به نکر وسرشت طبقاتی ترکیب دست اندازگان رسمی مربوط می شود، گمان نداریم که این مجرمه و ترکیب تران عملی و مینعی حل کاره و برخورد آید

ایدئولوژی

پرتوی از زیارت عاشورا (۲)

مرگهای سرخ، همان شهدای بسنگین حسینی هستند که پویایی

و ثقل تکامل را عینیت می بخشند

تقریب یعنی قی آفرینش وجود و بقا دیده بود قنار است

تقریب معنی "تعمیر" همه آفرین و به معنای "بنا کردن" است. تقریب وجود و بقا، دیده بود و نظر است. آفرینی و تدبیر است. انهدام و نابودی شوق نفرن شده و طرد آن از مدار تکامل بر می‌آید. بسج می‌کند. و بسج می‌کند. حداثت، بسجگین ترین و محبت‌ترین نفرین است. و اصولاً هر نفرینی در دنیا خارج از ذهن تا آنجا مؤثر و حقیقی است که بر نفرن خدا سکنی باشد. و با همان راه برده چرا که تنبیا نفرن خداست که بدلیل عارضی نفرن شده با سن و فرامد تکامل جهان به نفرانی و انهدام می‌گردد. خواه بگذرد، خواه یک حزب و خواه یک نظام طامشگر ضد تکاملی. بچه در صفحه ۴"

های سنگین حسینی هستند. از این قبیلند سرزمینهای جاودان و زنده‌ای سن سنگین، که پویایی و ثقل تکامل را معینیت می‌بخشند. البته که چنین معینت‌هایی برای اهل اسلام بس گرانقدر است. بدانگونه که اهل آسمان، که شان سالن ارزوشتی و متعالی و آسمانی‌تر از بر آنگونه سرگما می‌گردند، گریه‌های فقط بین و برادرانی، بل حاکی از وجود خوشی بی پایان و متعالی و آسمانی، پس در این معنی "اهل آسمان" معین طلق تکاملی است.

لکن الله لایستغنی عن الناس الا الظلم والجور علیکم اهل آسمان پس نفرن خدا بر گروه و استی با د کسبان تجاوز و ستم را طبعی است اهل بیست‌تا نهاد. نفرن چیست؟ و چرا نفرن می‌کند؟

با آنکه مبداله لحد عصبانیت و جلت و عفت المصیبه که عینت و ولی جمیع اهل اسلام و جلت و عفت مصیبتی بی‌استعداد علی جمیع اهل الشریات.

ای ابا عبدالله، راستی که تو و معینت برای ما همه اهل اسلام بی‌سبب و سبکین است. و این معینت تو در آسمانها نیز برای همه آسمانیان و بر بزرگ و سنگین است. برخی مرگها جنگ هستند. همچون برهه، مرگ آنهایی که چندان تأثیری در روند تکامل نداشته و در این مسوچان زنده‌ای محسوب نمی‌شوند. اما مرگهایی که بر ستر و مرگهای آرام و سفید. اما مرگهایی که همچون تازه‌ای بر گشت تکامل می‌جویند و آن را به پیش می‌رانند و با همچون آتش‌فشان تمامی حیدر برای بران را گردان می‌سازند. مرگهایی که میدان و مرگهای سرخ که همان شهادت وسیع دانشجویی و سرکوب طایف هر حرکت اعتراضی در دانشگاهها، وابسته ساختن دانشجویان به زد و بنزد صرف و اشتهار فرستگ امپریالیستی و فساد بر زمین آنها که نتایج دانشجویان را به سیره‌های ماشین‌بازهای و پواسم تبدیل می‌کند. بزنامه‌های با صلاخ "تأسیس راه دانشجویان" اعطای بوسه و تکلیفی مالی و وامیهای دانشجویی در کنار سرحداتترین سرکوب و خفقان سیاسی، مسوچات این را به دانشجویان می‌بنداند که: "مکتب. زارش و رسیدن به پست و بزل و مقام و رفاه" را نابودی! در واقع رژیم سیاسی در شهربانی در دانشگاهها و دستگیرهای بچه در صفحه ۴"

۱۶ آذر اولین ترکش انقلابی خشم خلق

بعد از کودتای سنگین ۲۸ مرداد (۲)

سیاست‌های رژیم شاه برای سرکوب جنبش دانشجویی و اعتراضات دانشجویی، مرتکبانه و استعماری است. تا این مطلع (سال ۲۹) سال به سال تراکتر شده و رژیم را که بگردد. سطحی بی سروصدا و آرام و با صلاخ را ثبات برای امپریالیستی فرانکر فراهم آورد. سیاست تحت فشار قرار می‌دهد و همزمان با اوجگیری مبارزات علمی دانشجویی، گریها و دست‌های که انتقال صفی و باران یافته مبارزه را پذیرفته‌اند و مدتها در تدارک سازنده سطلانه هستند. بومد می‌باشد. در این هنگام طراحان زورور رژیم آزادی‌مبوی نیز توطئه جدیدی بچه در صفحه ۴"



وسیع دانشجویی و سرکوب طایف هر حرکت اعتراضی در دانشگاهها، وابسته ساختن دانشجویان به زد و بنزد صرف و اشتهار فرستگ امپریالیستی و فساد بر زمین آنها که نتایج دانشجویان را به سیره‌های ماشین‌بازهای و پواسم تبدیل می‌کند. بزنامه‌های با صلاخ "تأسیس راه دانشجویان" اعطای بوسه و تکلیفی مالی و وامیهای دانشجویی در کنار سرحداتترین سرکوب و خفقان سیاسی، مسوچات این را به دانشجویان می‌بنداند که: "مکتب. زارش و رسیدن به پست و بزل و مقام و رفاه" را نابودی! در واقع رژیم سیاسی در شهربانی در دانشگاهها و دستگیرهای بچه در صفحه ۴"

پس یکد از هر صدمه که پیشان ما را در برده است، سودی و بی سودی ندارد...

علا آنجا که عدای همان میکردند "خواست" خود را بر نفس خود...

اینجاست که بی‌بیتیم قرآن در ابتدای سوره آل عمران (۷۴) تأویل...

از قبیل آنجا که می‌آید روبرو خواهم شد. حال اگر این دریافت‌ها را به صحنه اجتماع و سیاست...

چنانکه میدانیم در حالی که امروزه در فرهنگ و تمدن ما...

همچندین است که پس از روی کار آمدن کاتر و ایچاد... ففای به اصطلاح باز...

سایر آن که گذشت از داخل آن جنبه بی‌خبرانه از آریهان...

به نحوی که رادیهایی نظیر بی‌سی نیز که همیشه تخیل مردم را در دست...

حالا اجازه بدهید بحث شیرین "نمود" و "ماهیت" و جستجو در جناح...

مخالفت با انقلاب ضد ایرانیستی متوقفی نمی‌کنند هیچ مشابهتی ندارند...

امام سجاد (ع) رادمدردی انقلابی که رسالت استمرار انقلاب...

شهادت امام سجاد (ع) انقلابی کردی که رسالت سنگین استمرار...

بکس مدترین گلابها و شکایتها در این است که چرا دشمن امپریالیست هنوز...

تألیف: با سرمایه‌داری متوسل‌لیبرال و رویه‌بستی‌ها که منجمد با شتاب...

موضوع ملاحظه می‌شود که با آنچه فوقاً گفتیم به هیچ وجه نمی‌بایستی...

همچنین چنانکه در فریاد انقلاب (بر سر یزید دکترومدی) اعلام کردیم:

بعد قائل گیتی می‌گویی میان برخورداری هر چه دروغ طلبانه یا ماجرایی...

... پس گفت: باطل و آنچه در خلاف جهت منافع مردم است (در زمین)...

۱۶ آذر اولین ترکش انقلابی خشم‌خلاق بعد از کودتای ننگین ۲۸ مرداد (۲)

یکدست چماق و در دست دیگر آب نبات" را پیش گرفته بود. اما آیا این...

طبیعتی کردن تحصیل دانشگاهی بود. باین نحو که فرزندان لایه‌های پایین...

برگزاری کنگره بنوعی خاص و به ویژه بوسیله سازمان بازرگانی...

سال ۵۰ و نیز در جنبش سلطانه یک تحول گیتی دیگر را از دست داد...

دانشگاه، دانشگاه‌سنگر آزادگان

دانشجویان با خلق شکست‌دهنده‌ها، استعمارگران بخوبی میدانستند که تا...

دانشجویان، دانش آموزان و دیگر افتخاریک برای گرامیادداشت خاطره...

دانشگاه، دانشگاه‌سنگر آزادگان "شانزدهم آذرماه و کورگامونروسیان"

دانشجویان و دانش آموزان با راهی توده‌ها تکیه می‌کنند...

دانشجویان و دانش آموزان با راهی توده‌ها تکیه می‌کنند...

پیکار و صفا

سلس و سلمان، هم مبارزات دانشجویان مذهبی را در جنبش دانشجویی ارتقا...

دانشجویان با اسامال شانزدهم آذر، این بود مبارزه دانشجویان را...

دانشجویان و دانش آموزان با راهی توده‌ها تکیه می‌کنند...

دانشجویان و دانش آموزان با راهی توده‌ها تکیه می‌کنند...

مردم و مجاهدین

خواهران و برادران عزیز،

در میان نامه‌های متعددی که به ما می‌رسد، با مسائل مختلفی برخورد می‌کنیم؛ در این نامه‌ها با شما گفتگو می‌کنیم و پیشنهاد می‌کنیم، خبر می‌دهیم، سند می‌فرستیم، گزارش‌های تهیه‌شده توسط خودتان را می‌فرستیم و هزارویک مسئله دیگر... در این بین گاه لازم می‌شود که برای تکمیل و باقی‌ماندن دلایل دیگر با شما تماس بگیریم ولی در بسیاری از نامه‌ها ادراک‌گناه و حتی نام کامل نیز پیدا نمی‌شود. نتیجتاً نامه غیر قابل استفاده می‌گردد. از شما خواهان و برادران عزیز خود می‌خواهیم که توجه داشته باشید وقتی برای ما انتقادی و یا خبری می‌فرستید راهی برای تماس، در صورت ضرورت باز بگذارید. البته ما به محفوظات تعدادی از خواهران و برادران خود «کالا» نگاه هستیم. ولی با وجود این هوشیار می‌کنیم تا آنجا که مقدور تا هست در نامه‌های نام و آدرس و یا راهی که بتوانیم با شما تماس بگیریم را حتماً قید کنید و چنانچه می‌خواهید استان قید نشود تذکر دهید. چرا که در غیر اینصورت دست ما بسته می‌ماند و مسائل زیادی برایمان وجودی آورد. بعنوان مثال احتمال سوءاستفاده از نامه‌ها که برای این رابطه است گناه دارد. نمونه بسیار گویای این مسئله در چند هفته پیش اتفاق افتاد. نامه‌ای بدستمان رسید، بود با امضا «هادیان ساربان» مجاهدین اندیشک «دیون آدرس و نام مشخص دیگری، همدان» در پاسخ نامه آمد بود در شماره ۱۱ «کالا» برای ما مشخص بود که هواداران ما از این قیام نامه‌ها نمی‌فرستند. ما از این هفته نیز نامه‌های مشابهی با هواداران رسیده که این نامه می‌خواهیم با مردم حلقه به مجاهدین و لی این بار تمام مجاهدین را که با این عمل می‌خواهند چنان و مانند کنند در این مدت پوششگیری و عملکرد سازمان قدرتی اشتباه بود که حتی هواداران هم اعتراض کرده و

از یکی از دبیران مبارز خود دست به نظرات پرشور بردند. انگار این نامه اولاً در نهادت نام و آدرس فرستنده است و ثانیاً «این خواهر اگر برایمان از این مسئله به‌خاطر پرشور» آتش کشیدن کنافروشی خودشان توسط مرتجعین داده است. در صورت داشتن گزارش مطبوع و عکس و یا... می‌توانستیم با اطمینان کامل در این مورد افشاکاری لازم را کنیم.

است و می‌بازیم

خواهری از فولاد شهر اصفهان نامه‌ای نوشته‌اند که روسی سر نمی‌کند ولی آیا می‌تواند در بخش اعلامیه به ما کمک کند؟ ضمن ذکر صداقت و احساس مسئولیت این خواهر مستعد می‌تواند که ما را در راه مبارزات خود یاری دهد. ما را در راه مبارزات خود یاری دهد. ما را در راه مبارزات خود یاری دهد. ما را در راه مبارزات خود یاری دهد.

است و می‌بازیم
خواهری از فولاد شهر اصفهان نامه‌ای نوشته‌اند که روسی سر نمی‌کند ولی آیا می‌تواند در بخش اعلامیه به ما کمک کند؟ ضمن ذکر صداقت و احساس مسئولیت این خواهر مستعد می‌تواند که ما را در راه مبارزات خود یاری دهد. ما را در راه مبارزات خود یاری دهد. ما را در راه مبارزات خود یاری دهد.

پیشنهاد مجاهدین خلق: کنفرانس ملی صلح کردستان

درباره کردستان

اکنون نشده می‌شود که هفتاد و هشتاد ساله سنی‌خواه با رهبران و مبارزان مردم کردستان وارد مذاکره شود و گویا اختلاف هم این است که باید با خود مردم به گفتگو نشست. البته هیچ افرادی به گفتگو کردن با مردم نمی‌تواند داشت. گفتگو و توجیه و شور و نشاط هم بیشتر به خود ضروری است. لیکن وقتی ساله با بی‌موردی با گفتگو با احزاب و رهبران مردم اعتقاد آنها را منتفی می‌سازد، در این یک منطقی ضحکی است که گفته از بی‌بایگی تئوریک و مطلق منطقی و علمی‌اش، حتی با مستحوا و مفکرند راجع نیز بسیار تفاوت و تضاد است. عنوان مثال به یک نمونه بی‌بایگی توجه کنید: فرض کنیم آمریکا یا هر کشور دیگری «سازمان مردم‌سالار آزادی» را بر سر سر دادن شعار آزادی با ایران و با ویتنام به مذاکره بنشیند. در این صورت آمریکا چه خواهد کرد؟ آیا این درست است که رهبران

امام خمینی را بخاطر ابای آن تسخیر کرده و خواهم کرد. نشی که در قضا در نشان دادن استبداد همین کسانی که امروز می‌خواهند مایل ذهنی - جزی را در حل ساله کردستان باندیده بگیرند نیز از هیچ چیز و حتی سالنهای فرودگزار نمیکنند. ولی به کردستان که می‌رسد، بگردد قضیه معکوس شود و مردم گزالی آجندانی مطرح شود.



۱- دبیرخانه مذاکرات و تدوین فرمان فولاد
۲- نمایان حل ساله، همان فرمان امام خمینی مورخ ۲۶ آبان باشد
۳- از همه احزاب و سازمانها و شخصیت‌های ایران، صرف نظر از هر اختلاف فکری و مسلکی، به شرط اینکه همان اعلامیه و فرمان امام خمینی مورد قبولشان باشد، برای شرکت در حل دینجعی ملی به این سامانه دعوت کنید.
۴- رعایت آتش بس مطلق از همه طرف، تا پایان مذاکرات و اخذ نتیجه قطعی در چارچوب فرمان امام

سلط در این کشورها را نادیده گرفته و بگوید که مستقیماً می‌خواهد با مردم گفتگو کند؟ چگونه؟ آنچه طریقاً؟ آیا جز این است که ملی‌الرسوم و طبق حمول، و رهبران و مبارزان مردم می‌تواند اگر رضا شاه را احزاب و احزاب طریق نمایندگان برد اعتقاد آنها بمان می‌شود؟ در سنجاست و روابط و نظر خواهی‌های داخل یک کشور بی‌توجه به همین ترتیب است. والا اگر مستقیماً باید از خود مردم نظر خواهی کرد و نمایندگان و احزاب و رهبران مردم اعتقاد آنها را با اعتبار داشت، پس چرا در تدوین قانون اساسی سراسری با مجلس شورای ملی و امتثال آن به هیئتکتاب با مردم سراسر ایران عمل نمی‌شود؟ البته در آن قدم یک شکل از دیوکراسی و نظر خواهی عمومی، که دیوکراسی مستقیم نامیده شده وجود داشته که بر حسب آن خود مردم یعنی کلیه شهروندان صاحب رای، گروه گروه در محل‌های مشخص گرد آمده و نظرشان را نسبت به مسأله مستقیماً «ابراز» می‌نمودند. لیکن مطابق آن که در تصمیم‌ها تعداد مردم موزون بیخ از ۱۰۰۰۰۰ نفر بود. حال اینکه در شرایط فعلی، کثرت و بی‌بازرسی سائل و

فرد یا نفی گفته خود. به اسنان جدید انقلابی تبدیل شود، و تجارت دیگر به وحدت ایدئولوژیک، تفکراتی تا سازمان برسد و به یک ارزشهای نوین و انقلابی نائل گردد. سازمان بی‌توجه محدود، سازمان بازگشوده
یک سازمان انقلابی در اولین قدمهای خود مخصوصاً اگر مثل سازمان ما در جامعه‌های زیرکانه دیکتاتوری - نظامی - آغاز کار کند، قریب تلاش خواهد کرد که با نگاه داشتن تعداد اصغر، در حداقل ممکن کیفیت آگاهی را بقدر امکان برای سنجای آموزشهای علمی و پژوهشی و برآوردن برآورد زوری و اثری نماید. این قبیل سازمانها بنا به دلایل فوق ملتبس کمیت محدودشان، از کیفیت بالایی برخوردارند. زیرا عمدتاً از عناصری تشکیل شده‌اند که کثرت از سراسر اصلی مشرف می‌شوند (مخصوصاً در جریانهایی ایران) و در کنار آن یک بویقه طولانی آموزش و اکتساب، نظریه علمی و فلسفی و خصوصیات غیر انقلابی خود را نفی کرده‌اند و آنها هم که آمانگی بگردد. به‌رغم همه

برادرانی از مشهد - حسن - ر - و - ع - ا - ط - انتقادات و پیشنهادها در مورد نشریه‌ها نام و آدرس و یا راهی که بتوانیم با مردم حلقه به مجاهدین و لی این بار تمام مجاهدین را که با این عمل می‌خواهند چنان و مانند کنند در این مدت پوششگیری و عملکرد سازمان قدرتی اشتباه بود که حتی هواداران هم اعتراض کرده و

برادران سنی خواهیم کرد به پیشنهادشان بیشتر توجه کنیم با در نظر گرفتن اینکه ما هر هفته در باره مسائل فوق حداقل یک صفحه داشته باشیم. مخصوصاً کارگری و روستایی می‌باشد. منظر نظرات و پیشنهادها دیگر شما حفظ و از بین رفتن تهیه شده و هدف

چیزی که تعیین کننده است اصالت و درستی خط است نه شعار و جملات

برادر محمد در پیشانی تذکر بسیار مسئله بوده است تا یک بحث منجم تشکیل داتی. برادری هم که نوشته در این مورد کار کرده است در صورت تمایل می‌تواند با ما تماس بگیرد، گروهی از دانش‌موزان دبیرستان متحدین سراسر نامه بسیار مستدل و جالبی نوشته‌اند مبنی بر اینکه با عملکردهای ارتجاعی بسیاری که

عوارض گسترش سازمان انقلابی و تحلیل آن

در این جهان بدون موضعگیری صادقانه و اصولی، پیروزی غیرممکن است

ترکب چنین خطایی می‌تواند؟ پاسخ به این سؤال مستلزم یک تحلیل عمیق و همه‌جانبه است که در برتو آن بتوان دیدگاه درستی در رابطه با این مسائل پیدا کرد. لذا ابتدا ما به کلیاتی نظیر کیفیت ساختار جامعه انقلابی، مکانیسم تغییر ارزشها (خصوصیات فرهنگی، ایدئولوژیک و...) در سراسر انقلاب چگونگی رابطه سازمان پیرو با جامعه و مخصوصاً تأثیر شرایط مختلف سیاسی - اجتماعی در جریان گسترش آن... اشاره خواهیم کرد. نگاه عمیقی آن، و هم‌علاوه عوامل مختلف اینکه هر حرکت را برود بررسی و تحلیل فرار دهنده در کنار آن برخوردها و دیدگاه‌های غیراصولی در انبساط را هم نقد کنیم؛ مصالح ساختار جامعه توان اجرا فراهم می‌شود؟

- ساختار جامعه: نو بوسله آجرهای جامعه کینه امتیاز می‌شود. این ضمیمه کن در حیات برهنایی یکی از انقلابیون عصر حاضر است. وقتی در جامعه‌ای مبارزه با میگردد و یک سازمان انقلابی با تعصب و نین جامعه رشد میکند، و نطفه جامعه نوین در دل جامعه کینه متصف می‌گردد، بدین ترتیب آجرهای انقلابی طبقاتی با ساختار جامعه اجتماعی و نوین بکار گرفته می‌شود. این آجرها یعنی تکلیف انسانهای جذب شده توسط یک سازمان

در این نامه‌ها با شما گفتگو می‌کنیم و پیشنهاد می‌کنیم، خبر می‌دهیم، سند می‌فرستیم، گزارش‌های تهیه‌شده توسط خودتان را می‌فرستیم و هزارویک مسئله دیگر... در این بین گاه لازم می‌شود که برای تکمیل و باقی‌ماندن دلایل دیگر با شما تماس بگیریم ولی در بسیاری از نامه‌ها ادراک‌گناه و حتی نام کامل نیز پیدا نمی‌شود. نتیجتاً نامه غیر قابل استفاده می‌گردد. از شما خواهان و برادران عزیز خود می‌خواهیم که توجه داشته باشید وقتی برای ما انتقادی و یا خبری می‌فرستید راهی برای تماس، در صورت ضرورت باز بگذارید. البته ما به محفوظات تعدادی از خواهران و برادران خود «کالا» نگاه هستیم. ولی با وجود این هوشیار می‌کنیم تا آنجا که مقدور تا هست در نامه‌های نام و آدرس و یا راهی که بتوانیم با شما تماس بگیریم را حتماً قید کنید و چنانچه می‌خواهید استان قید نشود تذکر دهید. چرا که در غیر اینصورت دست ما بسته می‌ماند و مسائل زیادی برایمان وجودی آورد. بعنوان مثال احتمال سوءاستفاده از نامه‌ها که برای این رابطه است گناه دارد. نمونه بسیار گویای این مسئله در چند هفته پیش اتفاق افتاد. نامه‌ای بدستمان رسید، بود با امضا «هادیان ساربان» مجاهدین اندیشک «دیون آدرس و نام مشخص دیگری، همدان» در پاسخ نامه آمد بود در شماره ۱۱ «کالا» برای ما مشخص بود که هواداران ما از این قیام نامه‌ها نمی‌فرستند. ما از این هفته نیز نامه‌های مشابهی با هواداران رسیده که این نامه می‌خواهیم با مردم حلقه به مجاهدین و لی این بار تمام مجاهدین را که با این عمل می‌خواهند چنان و مانند کنند در این مدت پوششگیری و عملکرد سازمان قدرتی اشتباه بود که حتی هواداران هم اعتراض کرده و

عوارض گسترش سازمان انقلابی و تحلیل آن

در این جهان بدون موضعگیری صادقانه و اصولی، پیروزی غیرممکن است

ترکب چنین خطایی می‌تواند؟ پاسخ به این سؤال مستلزم یک تحلیل عمیق و همه‌جانبه است که در برتو آن بتوان دیدگاه درستی در رابطه با این مسائل پیدا کرد. لذا ابتدا ما به کلیاتی نظیر کیفیت ساختار جامعه انقلابی، مکانیسم تغییر ارزشها (خصوصیات فرهنگی، ایدئولوژیک و...) در سراسر انقلاب چگونگی رابطه سازمان پیرو با جامعه و مخصوصاً تأثیر شرایط مختلف سیاسی - اجتماعی در جریان گسترش آن... اشاره خواهیم کرد. نگاه عمیقی آن، و هم‌علاوه عوامل مختلف اینکه هر حرکت را برود بررسی و تحلیل فرار دهنده در کنار آن برخوردها و دیدگاه‌های غیراصولی در انبساط را هم نقد کنیم؛ مصالح ساختار جامعه توان اجرا فراهم می‌شود؟

- ساختار جامعه: نو بوسله آجرهای جامعه کینه امتیاز می‌شود. این ضمیمه کن در حیات برهنایی یکی از انقلابیون عصر حاضر است. وقتی در جامعه‌ای مبارزه با میگردد و یک سازمان انقلابی با تعصب و نین جامعه رشد میکند، و نطفه جامعه نوین در دل جامعه کینه متصف می‌گردد، بدین ترتیب آجرهای انقلابی طبقاتی با ساختار جامعه اجتماعی و نوین بکار گرفته می‌شود. این آجرها یعنی تکلیف انسانهای جذب شده توسط یک سازمان

در این نامه‌ها با شما گفتگو می‌کنیم و پیشنهاد می‌کنیم، خبر می‌دهیم، سند می‌فرستیم، گزارش‌های تهیه‌شده توسط خودتان را می‌فرستیم و هزارویک مسئله دیگر... در این بین گاه لازم می‌شود که برای تکمیل و باقی‌ماندن دلایل دیگر با شما تماس بگیریم ولی در بسیاری از نامه‌ها ادراک‌گناه و حتی نام کامل نیز پیدا نمی‌شود. نتیجتاً نامه غیر قابل استفاده می‌گردد. از شما خواهان و برادران عزیز خود می‌خواهیم که توجه داشته باشید وقتی برای ما انتقادی و یا خبری می‌فرستید راهی برای تماس، در صورت ضرورت باز بگذارید. البته ما به محفوظات تعدادی از خواهران و برادران خود «کالا» نگاه هستیم. ولی با وجود این هوشیار می‌کنیم تا آنجا که مقدور تا هست در نامه‌های نام و آدرس و یا راهی که بتوانیم با شما تماس بگیریم را حتماً قید کنید و چنانچه می‌خواهید استان قید نشود تذکر دهید. چرا که در غیر اینصورت دست ما بسته می‌ماند و مسائل زیادی برایمان وجودی آورد. بعنوان مثال احتمال سوءاستفاده از نامه‌ها که برای این رابطه است گناه دارد. نمونه بسیار گویای این مسئله در چند هفته پیش اتفاق افتاد. نامه‌ای بدستمان رسید، بود با امضا «هادیان ساربان» مجاهدین اندیشک «دیون آدرس و نام مشخص دیگری، همدان» در پاسخ نامه آمد بود در شماره ۱۱ «کالا» برای ما مشخص بود که هواداران ما از این قیام نامه‌ها نمی‌فرستند. ما از این هفته نیز نامه‌های مشابهی با هواداران رسیده که این نامه می‌خواهیم با مردم حلقه به مجاهدین و لی این بار تمام مجاهدین را که با این عمل می‌خواهند چنان و مانند کنند در این مدت پوششگیری و عملکرد سازمان قدرتی اشتباه بود که حتی هواداران هم اعتراض کرده و

برادرانی از مشهد - حسن - ر - و - ع - ا - ط - انتقادات و پیشنهادها در مورد نشریه‌ها نام و آدرس و یا راهی که بتوانیم با مردم حلقه به مجاهدین و لی این بار تمام مجاهدین را که با این عمل می‌خواهند چنان و مانند کنند در این مدت پوششگیری و عملکرد سازمان قدرتی اشتباه بود که حتی هواداران هم اعتراض کرده و

برادران سنی خواهیم کرد به پیشنهادشان بیشتر توجه کنیم با در نظر گرفتن اینکه ما هر هفته در باره مسائل فوق حداقل یک صفحه داشته باشیم. مخصوصاً کارگری و روستایی می‌باشد. منظر نظرات و پیشنهادها دیگر شما حفظ و از بین رفتن تهیه شده و هدف

چیزی که تعیین کننده است اصالت و درستی خط است نه شعار و جملات

برادر محمد در پیشانی تذکر بسیار مسئله بوده است تا یک بحث منجم تشکیل داتی. برادری هم که نوشته در این مورد کار کرده است در صورت تمایل می‌تواند با ما تماس بگیرد، گروهی از دانش‌موزان دبیرستان متحدین سراسر نامه بسیار مستدل و جالبی نوشته‌اند مبنی بر اینکه با عملکردهای ارتجاعی بسیاری که

عوارض گسترش سازمان انقلابی و تحلیل آن

در این جهان بدون موضعگیری صادقانه و اصولی، پیروزی غیرممکن است

ترکب چنین خطایی می‌تواند؟ پاسخ به این سؤال مستلزم یک تحلیل عمیق و همه‌جانبه است که در برتو آن بتوان دیدگاه درستی در رابطه با این مسائل پیدا کرد. لذا ابتدا ما به کلیاتی نظیر کیفیت ساختار جامعه انقلابی، مکانیسم تغییر ارزشها (خصوصیات فرهنگی، ایدئولوژیک و...) در سراسر انقلاب چگونگی رابطه سازمان پیرو با جامعه و مخصوصاً تأثیر شرایط مختلف سیاسی - اجتماعی در جریان گسترش آن... اشاره خواهیم کرد. نگاه عمیقی آن، و هم‌علاوه عوامل مختلف اینکه هر حرکت را برود بررسی و تحلیل فرار دهنده در کنار آن برخوردها و دیدگاه‌های غیراصولی در انبساط را هم نقد کنیم؛ مصالح ساختار جامعه توان اجرا فراهم می‌شود؟

- ساختار جامعه: نو بوسله آجرهای جامعه کینه امتیاز می‌شود. این ضمیمه کن در حیات برهنایی یکی از انقلابیون عصر حاضر است. وقتی در جامعه‌ای مبارزه با میگردد و یک سازمان انقلابی با تعصب و نین جامعه رشد میکند، و نطفه جامعه نوین در دل جامعه کینه متصف می‌گردد، بدین ترتیب آجرهای انقلابی طبقاتی با ساختار جامعه اجتماعی و نوین بکار گرفته می‌شود. این آجرها یعنی تکلیف انسانهای جذب شده توسط یک سازمان

بنام خمینی ، علیه خمینی

تاکتیک جدید سیا و ارتجاع (قسمت دوم)

است که در اعلامیه "باید آرزای خون شهیدان راه حق" (که در شماره گذشته مینا چاپ شد) آمده است: "مردم که مادر کشندگان اعلامیه بزور نیز بظنار خود را تکران اعلامیه" خط مشی امام خمینی "تولد کرده است" و "بنام سازمانها و گروههای توحید (ا) و غیر توحیدی و مارکسیستی" نیز از آسایش که "یک نهد با اعلام انقلابی" دارند هتددار داده و همه را تهدید به قتل کرده بودند!

پس از روی این تشابهات می توان حدس زد که دست اندرکاران مدبر چنین شیوه ای اعلامیه (که داخل کتاب جدید چاپ و پخش می گردد) است دست چه کسانی هستند. بلاشک ایان و تمام شرکای ظلم و ستم و استبداد که این روزها با انتشار انواع دروغ و تفریب و شایعه پراکنی شایسته روز مشعل انقلابی و ثبت و فاشی هستند از این عوامل و سر سردگان سیا و از قماش همان دار و دسته ساواکی "گمبختنحله سارت آمریکا" می باشند یا مرتجعین پست و بی مقداری که انگل وار از حیثیات و موجودیت دیگران تخریب می کنند و میگویند که بیستند که بیستند می گویند تا آنجا هم حد افرینند و بکنند و هر روزی که گردیده می باشد می بیند منتشر می شود. البته معدودی مناسر ناگاه و متحرک شده هم هستند که گول عوامفریبی اوها و شایعات و تبلیغات در زمین ارتجاع را خورده و ناگاهانه بخدشت آنها در آمده اند. در حال هکی چیزی همان قضایای درجه اول امپریالیسم تبهکاریهای قوم آنان با کسی بر همین جریبها انقلاب را منحرف می کنند تا بار دیگر طلعه خمینی خود را بر عامه تعدید نمایند. تهرانیست ها خاستن نیز بخاطر تحارب و وسیع مبارزه انقلابی که در پشت مداخلت همین کادرا و برای نفوذ مجدد امپریالیسم و احیای نظام گذشته انتظار کرده بود و به دست اندرکاران ارتجاعی بوده که می خواهند رهنمودهای او را (در رستمن "خط" داده انقلابیون) بکار بندند "فرد" داده بود...

اینست شمار مشترک عوامل سیا ، بقایای ساواک و ارتجاع ، جدایی ، تفرقه ، جنگ داخلی ، در مقابل آن شمار مردم و نیروهای انقلاب و شمس امام خمینی را هم این روزها شنیدیم : "انجادو بخادر ، علیه امپریالیسم" حال در خطابه به صادر کنندگان چنین اعلامیه های و تمام فحاشان و رشوه خواران مرتجع و الوت دستی که تنها هتدایان فدیت با انقلابیون و مجاهدین است ، یعنی

تهرانی پس درهای دیگری می بنویسد : "اگر بخوایم از سایر گروههای و دستجات و سازمانهای روشنی گمبختنیا بوسیم بقول معروف منوچر هفتاد من فاقد می شود. اما فقط یک واصل باقی می ماند که با توجه به شمولیت گروهها ، رهبری انقلاب بخوبر باید با آنها رفتار نماید و بطور کلی چه باید کرد؟"

آنکه چند سطر بعد رهنمودهایی در باره "نویه" مبارزه با گروههای سیاسی و نیروهای انقلابی (که او کسی را تحت عنوان "گمبختنیا" می نامد) میدهد و راه حل پیشنهاد می کند: "اقدامات پیشنهادی اطلاعاتی: داشتن اخبار و اطلاعات در زمینه های گوناگون ؛ پیروزی اعلامیه از اهداف مخالفین و تصحیحات آتی آنها؛ از جمله اصول مسلمی است که همواره دولتها و یا مسئولین امر را در تصمیم گیری کنگ کرده است و به همین علت است که وجود یک واحد اطلاعاتی که وظیفه این قلم جمع آوری خبر از نظریات قترهای مختلف و گروههای مخالف مسلم گمبختنیا باشد ، ضروری بدست میرسد. البته اگر این موضوع در زمین شرایط بصورت انگیزه و یا اعلام جدید سازمان ساواک سابق و یا هر چیزی سابق نامی باشد ، بهانه های تبلیغی بسیار خوبی بدست مخالفین و واصلان امپدیتوئالیست ها مختلف بخصوص امپدیتوئالیست ها می بیند. همین مناسبت "این واحد اطلاعاتی" "بایستی واقفا" بطور گامی "سوی تشکیل خود مستقل نظر یکی از مسئولان دولت مشغول فعالیت شود..."

و غیبه این واحد اطلاعاتی پنهانی می تواند شایعاتی گروههای دستجات گمبختنیا ، مراکز تجمع آنها ، محل اختفای اسلحه و حیثیات و نفوذ در داخل این گروهها در کلیه سطوح باشد که کار بسیار مشکل و حساسی است. (نامه خبری سیا ۱۷۱)

تهرانی مدعو ، این جلد خون آشامی که دهها انقلابی را بخاطر زر شکمه قتل رسانده ، همه این تسهیلات و اقدامات را از روی دلشوری برای اسلام و "انقلاب اسلامی" داده می نویسد. نظر باینکه من قلم مدت خدمت در ساواک در طی مبارزه با گمبختنیا بوده و بعدها به کمیته منتقل و تقریباً "همین خدمت را در دنیای خودماد همینه از نظر نفوذ و اشاعه گمبختنیا در موفی مجاهدین اسلامی و سایر گروههای در هراس بودم..." (نامه تهرانی سیا)

بیروان خط مشی تهرانی معلوم را بنامش

لا محاله می گردد که این شمارها و راههای و نالها همانهایی عوارض گسترش سازمان انقلابی و تحلیل آن برخوردار با نظریه فطعلیایشان را نداشته اند؛ مدتی مشغول تفرقه فرار کردندند. "تسجنا" اصفا چنین سازمانی به خاطر تجربیات و خصوصیات انقلابی خود از دیگران متمایز می باشد و مبارات دیگر بین اصفا این سازمان و افراد خارج از آن مرز ضمیمی وجود دارد....

اما یک سازمان انقلابی نمیتواند برای همینه محدود و بسته باقی ماند و مبارات دیگر بین اصفا این سازمان کبیت. آنکذا کند زیرا هدف آن اصفا "تسیر جامعه از طریق تسبیح و جذب و سازماندهی خودماد است. بر این اساس گسترش می گیری ندارد. خصوصیات زمانی که ضروریات اجتماعی است و مبارات ایجاب میکند و با هنگامی که توان ایمنولوژیکی - تکنکلاتی امکان آن را میدهد و به صورت یک وظیفه انقلابی در می آید.

البتعمان گسترش کمی بازماندگان خاص خود را دارد از جمله اینکه وقتی سرعت گسترش زیاد است و تسجنا در مدت گروهای آشوبی از مردم جذب میشود ، کبیت سازمان (و به همین امر) گسترش می برضی اصفا) نمیتواند همای کبیت آن بالا برود و طبعی است که علوی ایمنولوژیکی در بحثها و لایه های از عناصر سیاسی به سازمان. آنرا میکند و تسجنا امکان کمزرتیا ، اعتراضات و رفتارهای غیر اصولی افرادی می باشد.

تاکتیک جدید: بنام خمینی علیه خمینی

اما نکته مهم اینجاست که اگر تاکنون ارتجاعیون در نقاط اندازیه با تخریب و زوبیه های خود علیه نیروهای انقلابی سرخود گرفته و کار خودشان را می کردند و حاکمیت با سوءاستفاده از "نام" امام سی در بوجه جلوه دادن کارهای خود می نمودند ، حالا دیگر حرکات و مواضع خود را "نام" تحت عنوان "خط مشی امام خمینی" نامیده و بدین طریق با منسب کردن اعمال ارتجاعی خود به امام ، بزرگترین تفرقه را به حیثیت امام و مواضع شد امپریالیستی ایشان نیز وارد می آورند ، از آنپرو هیچ بایک نیست که این شیوه بعنوان یک تاکتیک جدید از جانب سیا و ارتجاع ، کالا ، آگاهانه و به تحریف خنده دار نمودن چهره امام ، بطرف خواسته های فساد امپریالیستی ایشان در اذهان توده ها انتخاب شده باشد. بخصوص که بیستند در دست در شرایطی که امام بیش از هر موقع در خطوط فساد امپریالیستی سرامت و ناظمیت اعمال نمودند ، بیشترین سوءاستفاده ها و تحریفات ارتجاعی از نام و اهداف امام بعمل آمده است. در دست در لحظاتی که امام تصریح کرده اند: "الآن در راس همه مسائل اسلامی ما قصبه باوجه با امریکاست" و "در شرایطی که همه مشتهای مردم قهرمان ما علیه دشمن اصلی (امپریالیسم) گرفته شده است" بزرگترین و فسادان دروغ پردازان "تسجد"

بله! شما بدلیل همین یکی بودن خط مشی آنان است که موفق محاکمه تهرانی نیز به پیشپاشی از این جلاذ نظاره رژیم بر خاستید و خواهان جلوگیری از صدور حکم اعدام در موردش بودید و پس از اعدام نیز برایش مراسم شب هفت برپا نمودید. ای هیاهات که مرتجعین از رشد ادراک و شعور سیاسی توده های مردم غافلند و گفته چنین توهنی را بخون شهدا آسمی با این وقاحت و بیروفتی بخود نمی دانند.



اطلاعیه مجاهدین خلق ایران درباره وقایع تبریز

بنام خدا

سازمان مجاهدین خلق ایران با تقییم به تمام مردم دلیر و آریه شان آذربایجان و بویژه شهر پر افتخار و مجاهد پر تبریز ، ضمن تاکید بر کلیه حقوق حقه سیاسی و اجتماعی و اقتصادی تمام مردم گنورمان ، در هر گجا که باشد ، بار دیگر بر عموم نیروها و افشار و آزادان و با بیانات امام خمینی جلب می نماید که فرمودند:

در این موقع حساس که روبرو با امریکای غرضخوار هستیم ، لازم است همه قترها همصدا شوند و به ریشه های فاسد رژیم سابق فرصت ندهند. به آیات تمام و احراق اعلام باید استقامت شود. فاسحی که در منزل اشرار و مستشاران ارتجاع افتاد بدست مستظرفان بود. من این توطئه را محکوم می کنم و از همه عاجزان استعاض می کنم از هرگونه اختلاف دست بردارنده و دورویی با توجه شرعی ، الهی و ملی می نامم.

بدین ترتیب با اوج به ضرورت تقییم و گسترده کردن حمله بیشتر مبارزه متحد فساد امپریالیستی تمام خلق در سراسر کشور ، حاکمیت خویش را در وجود و دلرو پستی انقلابی و انتقاری می کنیم.

بدیهی است چنانکه بارها تکرار شده و امام نیز گفته اند در مقطع کنونی تاریخ ما فقط به فقط در مسیر ریشه کنی بنیادهای و روابط امپریالیستی است که وحدت تمام خلق تقییم شده و محیک سیاسی عاری از اختلافات متعارض خواهد بود. کننگی که تحقق آنرا از جمیع مراجع و مسئولین امور خواستار می شویم.

مرگ بر امپریالیسم امریکا

مجاهدین خلق ایران
۵۸/۱/۱۶

فحاشی وردی بنویس و تصلیه صاحب با این گروه و آن گروه و خالی کردن عقده های گوناگونی خود را تحت پوشش دفاع از "خط مشی امام" آغاز نمودند.

براستی اینهمه اوباش لوپین و رجاله های که این روزها هر جا احتیاجی برپا می شود بسیج شده و به شمار دادن بر علیه نیروهای ترقی و برسی و ایجاد درگیری و تفرقه و بی پروا در تفرقه های گوناگونی است شنبه شون. این همان میدانی است که مرتجعین بسیار خواستار آنند. امپریالیست هم از آن بدست استقبال می کنند.

سراجام حقیقت پر تو ده ها روشن خواهد شد

اما عهدیات که مرتجعین به عام طبع و ساده اندیشانه و نمی دانند "مقامت حسن زنجی را که برای زدن به دیگران بلند کرده اند بر روی پای خودشان خواهد افتاد. (مضمون از یک انقلابی معاصر). حقیقت بالاخره بر تو ده ها روشن خواهد شد. تاریخ و تو ده های قهرمان سراجام دربار موضع گروهای انقلابیون راستین و حقایق آنها قضاوت خواهد کرد. حال بقدر مرتجعین هر روز علیه اعلامیه های شان گشتند و در زبانه ترین نهجتها و چرچسها و با شمارها نمایند. بقدر که در همین روزهای که همه بخدا علیه امریکای شرار می دهند ، بار دیگر دادگاه انقلاب (مجاهدین را بجای جانیان شاق و عوامل سرسریه امپریالیسم به محاکمه بکشند و با قاعی کردن مسائل و طرح فرسافه آنها حیثیت خوینار شهیدای والا- مقام ما را خدشه دار سازد. (به اظهارات دادستان انقلاب در جلسه محاکمه سرگرد جانینگر علی سیدان مندرج در کیهان ۵۸/۱/۶ رجوع کنید). بقدر که در روزهای آوج مبارزه متحد فساد امپریالیستی تحت عنوان اعلامیه اصناف سلمان تهران" در کیهان بنویسد: "سازمانهای متناقض که ماهیت فساد امپریالیسم و فساد امپریالیسم در حمایت از روزنامه آفتابگردان و شمار فساد امپریالیسم و فساد امپریالیسم بر انحلال ارتش و مخالفت با مصوبات آمریکا بکشند...."

پس این دشمنان انقلابی که که در اعلامیه مرتجعین پشت سرهم ردیف شده و مبارزه با آنها تنها نام "تسجنا" یا "خط مشی امام خمینی" به جنات است چرا درست در لحظات حساسی که امام برای مقابله با توطئه های امپریالیسم آمریکا دستگیر سنج سیاسی و نظامی می دهد و مجاهدین نیز بلا فاصله تارهای نیروهای آماده خود را در خدمت این هدف و تحت فرماندهی عالی امام قرار می دهند ، یک مرتبه سیل اعلامیه ها و درهما علیه مجاهدین سرازیر می شود!

ارتجاع از او جگر می مارزه ضد امپریالیستی و حضور فعال نیروهای انقلابی سراسر شده است و اقصیت این است که ارتجاع از او جگر می مارزه فساد امپریالیستی توده ها وحشت دارد و هرگز نمی خواهد که با تکرک نیروهای انقلابی این مبارزه معق پیدا کند و گسترش یابد. زیرا مرتجعین بنابر ماهیت خود سازشکار و تسلیم طلبند و اصلا برد چنین میدانی یعنی مبارزه فساد امپریالیستی نیستند. آنها می خواهند اوضاع همواره آرام باشد. سازش فساد امپریالیستی ، نیروها و رهبران ترقی خواه و انقلابی را طلب می کند. لذا مرتجعین که هیچ گشتن و محاربتی در عرصه نبود همبازیم فساد امپریالیستی ندارند یا اوصلی این مبارزه موفقیتشان را در خطر می بینند و احساس می کنند که با بدست یافتن آن امکن است بکلی از صحنه خارج شوند. اینست کبیرای حقه خودشان و مقام کبیرای تهرانی سعی خود را بکار می گیرند تا مبارزه را تحت امری متحرک کنند و بقائگالی فرعی بپزندند ، به تفرقه نام بردند ، جنگ زوگی راه بپندارند و

بصنوع آنها با ورود فعال نیروهای ترقی و انقلابی به این صحنه ، آگاه کردن ، شمار دادن و تسلیع اساسی مردم روزال عاری می بینند. احساس می کنند که ماهیت ارتجاعی و تسلیم طلبانه شان روز بروز برای مردم افشا می گردد و دیگر نمی توانند مثل گذشته بر آنها حکومت کنند.

لذا ابتدا قبل از همه می کنند انقلابیون را از صحنه خارج سازند ، تا حتی الامکان مبارزه ضد امپریالیستی در سطح و عتک و تعازر باقی بماند و تسلیع نماید. چون در این صورت مصداق حدن ظاهری آن چندان دشوار نیست و زیاد ماهی نمی

گزارش به خلق

بررسی برخی از اقدامات مجاهدین در آستانه قیام بهمن ماه

در این شماره میخواهیم مختصری از اقداماتی را که مجاهدین خلق ایران در آستانه انقلاب بر حسب وظایف سیاسی و مکتبی خود انجام دادهاند، مرور کنیم. اما اجازه بدهید قبل از ورود به مطلب چند نکته را تذکر کنیم:

۱ - انقلابیون راستین و صریح هیچگاه نیازی به دم زدن از وظایفی که انجام دادهاند نمی بینند بخصوص که آنچه ما انجام دادیم همچون قطره‌ای در دریای موج قیام خلق حاضر چندان اهمیتی نسبت به بدرکشی در پیشگاه خلق ندارد. اما تهمت‌های ناله جوانمردانه دشمن امپریالیست و پادشاهی و ارتجاعی آن، گاه هر گزارش و تذکری را ضروری میسازد. همان تهمت‌ها و افتراءاتی که حتی علی (ع) را چنانکه بکرات در هیچ ابلاغه دیده میشود به دفاع از خود و تشریح مواضع و خدماتش برمی انگیزد، که این نه لازمی، بل حرکتی در راه خدا و به خاطر روشن کردن افکار و افراد و اذهان خدایی و خلقی است تا افسوس شایسته نبوده‌اند بر خمیر پاک آنها پلایان گردد.

مرحمتین سمودی امام خمینی را بخاطر قاطعیت و ایستادگی ضد امپریالیستی اش "کمونیست" خوانده‌اند.

۲ - گو اینکه بهرحال تا وقتی در این جهان ریخته سنگری و استعمار برانداخته نشده و تا وقتی که طبقات و

دولتهای استعمارگر و استشارگر و ابادی دست نشانده آنها باقی هستند، تهمت‌ها و افتراءات بر علیه نیروها و شخصیتهای مردمی پایانی ندارد و ما هنوز آن مقاله مشهور و تهمت‌های مریوطه را علیه شخصی امام خمینی نیز فراموش نگردایم. گمانیکند شنیدایم امروز نیز مرتجعین سمودی امام خمینی را بخاطر قاطعیت و ایستادگی ضد امپریالیستی اش "کمونیست" خوانده‌اند. البته روشن است که ما در هر حال از گزارش دادن کلیه امور و کارهایمان به خلق ناگزیریم و این وظیفه هر سازمان و پادشاهی انقلابی است. لکن منظور از آنچه فوقاً گفتیم اینست که تنبیهات برای هر مطلب و خدمت کوچکی وقت مردم را گرفت ...

۳ - نکته هشتم اینست که مجرمین و بزهدگان و دزدان واقعی میخوانند با خدشه دار کردن دیگران و اقیانوسی گشته در مورد خودشان وجود دارد. را نیز صرفاً "تهمت" ا جلوه دهند.

۴ - ما در جای خود و بنا بر ضرورت‌های که "ایجاب میکند گزارش اقداماتمان را از زبان خودمان یا مردم ممکنست بیاوریم، اما در این شماره عمدتاً به بخشی از نامه‌های مقامات رسمی اکتفا میکنیم.

۵ - یکی از آقایان دادستان های انقلاب در ۲۴ شهریورماه گذشته طی نامه شماره ۲۲۵۸ خطاب به بنیاد علوی چنین نوشتگشت:

" چون در نظر است به تخلفات سازمان ملی مجاهدین رسیدگی گردد لذا تابه‌استه است هرچه زودتر گزارش جامع الاطرافی با ذکر نام فرد یا افراد مختلف (با ذکر نوع اتهامات و دلایل مستندات و مدارک) و مستندات مثبته مابین دادسرا ارسال نمائید تا اقدام مقتضی معمول گردد.

دادستان دادسرای انقلاب اسلامی مرکز - احمد آخوری قی ۵۸/۶/۲۲

و اینک این هم بخشی از تخلفات ۱۱ مجاهدین خلق ایران، البته بروایت و با امله مقامات رسمی دولت جمهوری اسلامی. البته این شماری از تخلفاتی است که در آستانه قیام بهمن‌ماه و بعد از آن صورت گرفته است، چرا که پرونده تخلفات مجاهدین خلق در زمان شاه سابق - که پانزده چهارده سال فخر دارم - قبلاً بوسیله دادستانهای اداره دادرسی نیروهای مسلح ارتش شاهنشاهی ابادان از کانی مطالعه و قضاوت شده و محکومتهای ناشی از آن را نیز تحمل گردایم.

بنابراین اینبار با استفاده از "نوع اتهامات و دلایل و مدارک" مستندات مثبته را خودمان زودتر به دادسرا بفرستیم. البته حسب معمول تخلف دیگری نیز داریم مرتکب می شویم و آنهم اینست که اسناد را به دادسرای خلق ارائه میدهیم.

اقدامات حفاظتی و پاسداری

شرکت ملی سیمان ایران

تاریخ: ۱۳۰۸/۱/۱۸
شماره: ۲۲/۳۰۰۰۲۲

بسم الله تعالی

سازمان بخش جنبش ملی مجاهدین سیمان

بدینوسیله باستحضار میرساند که برادران مجاهدان تاریخ ۱۳۰۷/۱۱/۲۸ چنین از سازمان این شرکت در زمین‌های شمالی تهران، واقع در خیابان شاه ولی قاسم در ضلع شمالی (از جنبشته و آستانه انتهای واقع در پلاک ۷۷، گذر تیریز جنوبی - سولت) ساخته شده است. ضمن تأیید مراتب فوقی مرتباً راجع به این مورد به بنیاد ملی سیمان پاسداری و پاسداری مجاهد سیمان را به نام آقایان کمال شکر و شاکر شاهبازید.

از طرف شرکت ملی سیمان ایران
تأیید تیریز
رضا - بخش شمال

شرکت ملی سیمان ایران

تاریخ: ۱۳۰۸/۱/۱۸
شماره: ۲۲/۳۰۰۰۲۲

بسم الله تعالی

سازمان بخش جنبش ملی مجاهدین سیمان

بدینوسیله باستحضار میرساند که برادران مجاهدان تاریخ ۱۳۰۷/۱۱/۲۸ چنین از سازمان این شرکت در زمین‌های شمالی تهران، واقع در خیابان شاه ولی قاسم در ضلع شمالی (از جنبشته و آستانه انتهای واقع در پلاک ۷۷، گذر تیریز جنوبی - سولت) ساخته شده است. ضمن تأیید مراتب فوقی مرتباً راجع به این مورد به بنیاد ملی سیمان پاسداری و پاسداری مجاهد سیمان را به نام آقایان کمال شکر و شاکر شاهبازید.

از طرف شرکت ملی سیمان ایران
تأیید تیریز
رضا - بخش شمال

شرکت ملی سیمان ایران

تاریخ: ۱۳۰۸/۱/۱۸
شماره: ۲۲/۳۰۰۰۲۲

بسم الله تعالی

سازمان بخش جنبش ملی مجاهدین سیمان

بدینوسیله باستحضار میرساند که برادران مجاهدان تاریخ ۱۳۰۷/۱۱/۲۸ چنین از سازمان این شرکت در زمین‌های شمالی تهران، واقع در خیابان شاه ولی قاسم در ضلع شمالی (از جنبشته و آستانه انتهای واقع در پلاک ۷۷، گذر تیریز جنوبی - سولت) ساخته شده است. ضمن تأیید مراتب فوقی مرتباً راجع به این مورد به بنیاد ملی سیمان پاسداری و پاسداری مجاهد سیمان را به نام آقایان کمال شکر و شاکر شاهبازید.

از طرف شرکت ملی سیمان ایران
تأیید تیریز
رضا - بخش شمال

شرکت ملی سیمان ایران

تاریخ: ۱۳۰۸/۱/۱۸
شماره: ۲۲/۳۰۰۰۲۲

بسم الله تعالی

سازمان بخش جنبش ملی مجاهدین سیمان

بدینوسیله باستحضار میرساند که برادران مجاهدان تاریخ ۱۳۰۷/۱۱/۲۸ چنین از سازمان این شرکت در زمین‌های شمالی تهران، واقع در خیابان شاه ولی قاسم در ضلع شمالی (از جنبشته و آستانه انتهای واقع در پلاک ۷۷، گذر تیریز جنوبی - سولت) ساخته شده است. ضمن تأیید مراتب فوقی مرتباً راجع به این مورد به بنیاد ملی سیمان پاسداری و پاسداری مجاهد سیمان را به نام آقایان کمال شکر و شاکر شاهبازید.

از طرف شرکت ملی سیمان ایران
تأیید تیریز
رضا - بخش شمال

شرکت ملی سیمان ایران

تاریخ: ۱۳۰۸/۱/۱۸
شماره: ۲۲/۳۰۰۰۲۲

بسم الله تعالی

سازمان بخش جنبش ملی مجاهدین سیمان

بدینوسیله باستحضار میرساند که برادران مجاهدان تاریخ ۱۳۰۷/۱۱/۲۸ چنین از سازمان این شرکت در زمین‌های شمالی تهران، واقع در خیابان شاه ولی قاسم در ضلع شمالی (از جنبشته و آستانه انتهای واقع در پلاک ۷۷، گذر تیریز جنوبی - سولت) ساخته شده است. ضمن تأیید مراتب فوقی مرتباً راجع به این مورد به بنیاد ملی سیمان پاسداری و پاسداری مجاهد سیمان را به نام آقایان کمال شکر و شاکر شاهبازید.

از طرف شرکت ملی سیمان ایران
تأیید تیریز
رضا - بخش شمال

شرکت ملی سیمان ایران

تاریخ: ۱۳۰۸/۱/۱۸
شماره: ۲۲/۳۰۰۰۲۲

بسم الله تعالی

سازمان بخش جنبش ملی مجاهدین سیمان

بدینوسیله باستحضار میرساند که برادران مجاهدان تاریخ ۱۳۰۷/۱۱/۲۸ چنین از سازمان این شرکت در زمین‌های شمالی تهران، واقع در خیابان شاه ولی قاسم در ضلع شمالی (از جنبشته و آستانه انتهای واقع در پلاک ۷۷، گذر تیریز جنوبی - سولت) ساخته شده است. ضمن تأیید مراتب فوقی مرتباً راجع به این مورد به بنیاد ملی سیمان پاسداری و پاسداری مجاهد سیمان را به نام آقایان کمال شکر و شاکر شاهبازید.

از طرف شرکت ملی سیمان ایران
تأیید تیریز
رضا - بخش شمال

شرکت ملی سیمان ایران

تاریخ: ۱۳۰۸/۱/۱۸
شماره: ۲۲/۳۰۰۰۲۲

بسم الله تعالی

سازمان بخش جنبش ملی مجاهدین سیمان

بدینوسیله باستحضار میرساند که برادران مجاهدان تاریخ ۱۳۰۷/۱۱/۲۸ چنین از سازمان این شرکت در زمین‌های شمالی تهران، واقع در خیابان شاه ولی قاسم در ضلع شمالی (از جنبشته و آستانه انتهای واقع در پلاک ۷۷، گذر تیریز جنوبی - سولت) ساخته شده است. ضمن تأیید مراتب فوقی مرتباً راجع به این مورد به بنیاد ملی سیمان پاسداری و پاسداری مجاهد سیمان را به نام آقایان کمال شکر و شاکر شاهبازید.

از طرف شرکت ملی سیمان ایران
تأیید تیریز
رضا - بخش شمال

شرکت ملی سیمان ایران

تاریخ: ۱۳۰۸/۱/۱۸
شماره: ۲۲/۳۰۰۰۲۲

بسم الله تعالی

سازمان بخش جنبش ملی مجاهدین سیمان

بدینوسیله باستحضار میرساند که برادران مجاهدان تاریخ ۱۳۰۷/۱۱/۲۸ چنین از سازمان این شرکت در زمین‌های شمالی تهران، واقع در خیابان شاه ولی قاسم در ضلع شمالی (از جنبشته و آستانه انتهای واقع در پلاک ۷۷، گذر تیریز جنوبی - سولت) ساخته شده است. ضمن تأیید مراتب فوقی مرتباً راجع به این مورد به بنیاد ملی سیمان پاسداری و پاسداری مجاهد سیمان را به نام آقایان کمال شکر و شاکر شاهبازید.

از طرف شرکت ملی سیمان ایران
تأیید تیریز
رضا - بخش شمال

شرکت ملی سیمان ایران

تاریخ: ۱۳۰۸/۱/۱۸
شماره: ۲۲/۳۰۰۰۲۲

بسم الله تعالی

سازمان بخش جنبش ملی مجاهدین سیمان

بدینوسیله باستحضار میرساند که برادران مجاهدان تاریخ ۱۳۰۷/۱۱/۲۸ چنین از سازمان این شرکت در زمین‌های شمالی تهران، واقع در خیابان شاه ولی قاسم در ضلع شمالی (از جنبشته و آستانه انتهای واقع در پلاک ۷۷، گذر تیریز جنوبی - سولت) ساخته شده است. ضمن تأیید مراتب فوقی مرتباً راجع به این مورد به بنیاد ملی سیمان پاسداری و پاسداری مجاهد سیمان را به نام آقایان کمال شکر و شاکر شاهبازید.

از طرف شرکت ملی سیمان ایران
تأیید تیریز
رضا - بخش شمال

صورت پاسداری و نگهداری مرکز تولید رادیو آرک

بنام خدا
تقریباً ساعت ۶ بعد از ظهر روز ۲۱ بهمن، مرکز تولید رادیو آرک توسط نیروهای انقلابی و مخصوصاً مردم فتح شد نظامیان که از مدتها پیش آنجا را اشغال کرده بودند با بیگانه گداختن چنگ زدن در راهرویی طبله دوم و جلوی سالن بزرگ ضبط و ضبط زدن و جلوی درب، فرار کردند. لازم به یادآوریست که نظامیان بهنگام فرار، اقدام به تخریب آرشو نزارهای ۵۰ ساله رادیو آرک کردند، که به موقع از این عمل شد انقلابی و فد خلقی آنها جلوگیری شد.

در اهمیت این آرشو، باید گفته شود که در شام ۲۱ بهمن، مرکز تولید رادیو آرک توسط نیروهای انقلابی و مخصوصاً مردم فتح شد نظامیان که از مدتها پیش آنجا را اشغال کرده بودند با بیگانه گداختن چنگ زدن در راهرویی طبله دوم و جلوی سالن بزرگ ضبط و ضبط زدن و جلوی درب، فرار کردند. لازم به یادآوریست که نظامیان بهنگام فرار، اقدام به تخریب آرشو نزارهای ۵۰ ساله رادیو آرک کردند، که به موقع از این عمل شد انقلابی و فد خلقی آنها جلوگیری شد.

رادیو تیریز

بنام خدا
تقریباً ساعت ۶ بعد از ظهر روز ۲۱ بهمن، مرکز تولید رادیو آرک توسط نیروهای انقلابی و مخصوصاً مردم فتح شد نظامیان که از مدتها پیش آنجا را اشغال کرده بودند با بیگانه گداختن چنگ زدن در راهرویی طبله دوم و جلوی سالن بزرگ ضبط و ضبط زدن و جلوی درب، فرار کردند. لازم به یادآوریست که نظامیان بهنگام فرار، اقدام به تخریب آرشو نزارهای ۵۰ ساله رادیو آرک کردند، که به موقع از این عمل شد انقلابی و فد خلقی آنها جلوگیری شد.

گزارش مربوط به هزینه‌ها و مخارج پاسداری از اماکن عمومی

بنام خدا
بنام خلق قهرمان ایران
در جریان قیام و بعد از اماکن مختلفی که با پایگاههای رژیم شاه غارت بود و با به ناسر خودانتخاب تلقی داشتند، به تصرف سازمان مجاهدین درآمد که مدتها بوسیله افراد وابسته به جنبش ملی مجاهدین از آنها پاسداری و حفاظت میشده است. این اماکن بتدریج به مقامات دولت وقت انقلاب جمهوری اسلامی تحویل گرفته‌شدند. اما تهمت‌هایی که توسط مجاهدین خلق از آنها حفاظت بعمل آمده بتدریج ذی‌نفعان است. (سازمان بنیاد ملی سیمان)

۱ - ساختمان بزرگ فراری
۲ - ساختمان بزرگی شماره ۲ واقع در خیابان تاج
۳ - ساختمان بزرگی شماره ۲ جنبش فرصت و جلال‌آباد
۴ - ساختمان بزرگی شماره ۵
۵ - رادیو تلویزیون میدان آرک
۶ - رادیو تلویزیون خیابان جام جم
۷ - منزل سرهنگ زیباچی که ششگانه ساواک بوده و این محل که در یوزن مردم در جریان انقلاب به طی از خاک تبدیل شده بود به قصد دایر کردن مرکز اعداد بزرگی بوسیله مجاهدین بازسازی و مرتب گردید.

ایدئولوژی

مرگهای سرخ، همان شهداهای سنگین حسینی هستند که یونانی و قتل تکامل را عینیت می بخشند

براستی که بر گروه و طبقاتی که اساس ظلم بر اهل خانه خدایی و بیاباری را بنا نهاده اند، نفرین باد. زیرا از قدیم گفته اند که "آغاز کار نبی از اشام کار است". پس این که حرم محرق و خانمهای ستمی و ملوی و حسینی را نخستین بار تکستند سزواران هستند در نفرینند. از سوی دیگر باستانی در مورد هر ظلم و جور و به اساس و بنیاد آن بوده حسود. و میدانند که چون بنیاد حسود کج گذاشته شود، چه کج ترست، چه کج خوب، و چه حتی یک انقلاب انبوهی از کپورهای های روز افزون دیگر را در همه اشکال فردی-اجتماعی به بار خواهد آورد. و بازم میدانم که سر مشتا تاریخی همه ملوک و جورهاده برهنگشتی طبقاتی هر ستم و است و اجتماع بکنانه آدمی را شق و مغزق نمود:

کان الناس امة واحدة... درست باستانی دلیل تا اساس جور و ستم ایستادگی است. امیدی به فرخندگی و رستگاری نهایی نوع بشر نتوانست.

و لئن ائمة لم تدفعکم عن مقامکم و ازالکم عن مرتبتکم لئن ائمة لم تدفعکم عن مقامکم و ازالکم عن مرتبتکم... فراموش نگردیدم که در این کنیز روان شامانه، در فضای عاشورا ایستادگی و با حسین و یاران دیدار سکیم. دیداری در سینه میدانم و نه بر کتاف آن. پس این لاشتهای مداوم، تدامی چکاچک کشورها و دعوای گردان بانک تکثیر بودایی است که نفی نفرین عمل ستم و سرکشی قیام کرده اند. پس: نفرین بر تو که در آشوب از مقام و جایگاه واقعی رهبری گذشته اند. همان مرتضی که خدا حکم شایستی-های انکسائی و سوابق صلی در آنها فرزان داده بود؛ دروغاست که دردمان نمودند.

تا وقتی که کاسود ظلم و ستمگری در تاریخ رسته کنیاد همیشه چنین است. فرست طلیان، برنجبین و شرفین پیوسته در کسوفی در برابر

نامه سعادت به موسوی خایانی... وقتی انقلاب در مسیر واقعی خود رود و خط صحت کام بردارند...

این انقلاب جاسوسی را ازادی خود میدانم. وقتی که انقلاب در مسیر واقعی خود و در خط صحت کام بردارد، حال همه نسبت کم در یک چهاربوری سرد و تنگ در بند باقی است. اصل در شرایط کسوفی رهائی خلق از زیر یوغ فارتگران سنیاللی است. حال بنیادان این شرایط برده است. به جهت پستی و پستی در پشت دریاها دادگاه انقلاب در صف طویل جهان پیکاران و مزدوران رژیم کثیف آریامپوری محفل نگ دارند. اما بخاطر ظلم در جهت کشف شکمهای جاسوسی بامادریان، با بخاطر برهم زدن امنیت و آراش آریامپوری در اوج عتقان و حاکمیت تلخ و تور، با بخاطر ماندن در قتل خوهران و برادرانی که عالمانه و مفاقتانه بنام خدا و بخاطر خلق حیات میکنند و با بخاطر اعلام حرم نسبت به آدم ربائی شکمه، پرده ساری و... اما بخاطر تلاش در جهت کشف شبکه های جاسوسی سیدارواران میخوانند و مراحمه میکنند؟

موسی یادم آمد سال ۵۱ وقتی دوران کثیم در مرحله یازمیه که اکنون دستخوری به کلم و کافد پیوسته آمد این نامه ایست که فارت هستی خندانمان از نسبت اعلام حرم کردم بلافاصله پرورده به کمیته برکت و مدت یکسال به صف افتاد و بالاخره در سال ۵۲ با کمپروسیستی جدید میراث به بدگاه آریامپوری رسانند و به اند محکم کردند. حال دیواره تکرار بخورد. بدینال اعتراضی نیست به بخورداشت فراتوانی و اعلام حرم به نسبت به دست اندازگان این نوع که بهانههای مکتور فرادرسف میانیگان است. آنها هم میگویند که روز بدینال روز دیگری هستند که بنیادین به اصلاح آریامپورانه به نام ماجرا پایان دهند. ولی نمیدانند که این ماجرا پایان آریامپورانه است که این شوهرهای تلخ تاکنون بکار برده شده است ندارد، بلکه روز خود را در پی بست پیچیدهتری گرفتار خواهند کرد. وقتی میخوانند پایان آریامپورانه است.

تمام تاریخ تا بازبین روز گذشته است. و خون خدا که در رگهای حسینی جاریست چنین اقتضا دارد که هرگز یکبار در مثل با حسین و آرزوهای حسینی در صلح و عفا باشد. در کارهای ما و با هر کسی که بر این ارزشها طغیان نموده از درختک در آرمش بی ملاحظه است. نیز آن بیگانه که در خیر است. اما صادق علیه السلام گفت آنکس را که به علی بن ابی طالب و آرزوهای او است که در صحنه ای که علی کافر و حسین عاری و خرابکار جلوه داده شود چنگداری و چهارمزاب و گروههای پاک استغای و اعلام بنیاد القلداد خواهند کردید.

ولئن ائمة لم تدفعکم عن مقامکم و لئن ائمة لم تدفعکم عن مقامکم... اینها که منجوری در مقابل ضد خلق تمکین می کنند، زمینه چیمان قتل انبیاء و رسولان و امامان راستینند

شک نیست که خلق آنها که در نفس نفل حرکت هستند نفل آنها نیز گفتگمکن و زورده و به تحقیق چنین کاری مستقیم یا غیر مستقیم امکان حصول داده اند. در کتب گاهنگاران و سزواران لغت و نفرین و اصلاح تاریخی اند. در ردیف نورهائی کینه و ارتجائی که هیچ جای در تاریخ آینده نداشته و جز در زباله دان تاریخ نخواهند گنجید.

ایا کسوی حسینی غلبه خلق هیچ پیوند و رابطی ندارد پس تمام خلق که به نوری در مقابل عد خلق تمکین میکنند، زمینه چیمان قتل انبیاء و رسولان و امامان راستینند، حتی اگر فقط سزواران باشند.

نامه سعادت به موسوی خایانی... وقتی انقلاب در مسیر واقعی خود رود و خط صحت کام بردارند...

موتور با مداهای عجیبی به لژش میافتد. هرچه در این دنده قطع بر سرعت دور موتور افزوده شود اجزا موتور در عرض از هم میگسختن بیشتری قرار خواهند گرفت. وقتی که به تصحیح دنده، موتور به آرامی میچرخد، موتور با مدای دلنشینی و با ماهانگی خاصی پذیرای حرکت می شود. حال انقلاب با همین است. اکنون به دنده، صحیح افتاده است. اکنون به خط صحیح افتاد است. خطی که تماشای اعتراضات و تماشای کشفهای خلق را متوجه دشمن اصلی یعنی شیطان بزرگ، آریامپریسم، خنواخور سرکشی آمریکا مینماید. در این راه است که رومعه ایثار و فدائاری و خلاصه فرهنگ توحیدی گسترش یافته و رشد خواهد نمود. در این راه است که بسبب اولیاد و امثال خلق انقلابی برای حل تمامی مشکلات خلق از طریق بسیجگشائی بنده خواهد آمد. در این راه است که خود معناری طبیعتها در چهار چوب و تاسیست عده ناپذیر ایران نه تنها جزیره طلسمی نیست بلکه می بهره گیری از دست آرزوهای انقلاب است. در این راه است که میزان از وابستگیهای اقتصادی، سیاسی، نظامی، فرهنگی و امثالهم رهایی یابد. در این راه است که سالانه مالکیت که امروزه به خست انگیزترین مقوله اقتصادی است با صدگی تمام حل شود و فرسودگی و شورش طغلی آنرا بی توان در چهارچوب نبرد ضد امپریالیستی مشخص نمود. در این راه است که توده های بی امید و بی سرپرستی رهنمودهای رهبری خود سرزود خویش را بدست گرفته، به شوهرهای مدرن خواهیم رسید. جنگ لژیونی ندارد که دولت دست به کلبیات در جهت نشان دادن در جریان شوهرها بزند. بلکه مردم خود در صورت این حرکت ضرورت را درک کرده خود دست به ایجاد شوهرهای واقعی خواهند زد. این راه است که دوست و دشمن درمل روشن خواهد شد. هیچ لژیونی به دشمن سازی وجود ندارد. در این راه است که مظلومات و بطرفی این سوابل ارتداد جمعی علیه طبقه ای خود را در نشاندهای هرچه بیشتر ماهیت و عملکرد چنانکارانه این شیطان بزرگ درک می کنند. در این راه است

زندادان اوین - بردار سادات

خلع سلاح (۴) ارزش، اهمیت و کاربرد سلاح از نظر مجاهدین خلق

باید به اینک بر آن غالب شود و ایدئولوژی و خطوط سیاسی را تحت الشعاع قرار دهد. زیرا در اینصورت انقلابیون با تمامان بزروری تبدیل خواهند شد که نمیدانند چرا و بخاطر چه چیز تلخ میکنند. از نتایج تلخ نظامی صرف که خصمه ارتشهای ضد خلقی است تاکنون آسمیهای بسیاری به جنبشهای انقلابی وارد آمده است.

سراسر جهان صلح برپا کنیم

۱- هدف ما از جنگ جهانی صلح برپا کنیم تا نهایتاً در سراسر جهان صلح برپا کنیم. بنابراین ما بر حسب سطح و نظریات عقیدتی خود بیشتر قطع و صمیمت و برادری و مظلومیت، از آن نظر هرگز نباید در برخورد با این جنبشهای مردم دانه باند که غاظه لاپرواستان و هفت نیکوکار بزرگوار برای مردمان زنده است.

۲- مبارزه با هر چه بیچوجه نیاید با مارجروسی و فریب و سرکشی یکی شود. ما دارای اهداف فلسفی، سازنده انسانی هستیم که بپیکری آنها مستلزم رعایت حداکثر انضباط انقلابی است.

۳- وقتی که انقلابی صلح میشود یعنی با غصوب و فروتنی هرچه منتشر خود را در خدمت انقلاب و جبهه خلقی گذاشت. بنابراین انقلابیون صلح با سیاست تفرقه گرانه فریب و سرکشی ناشی از حمل سلاح را از خود روده هرگز به چنین شمولی شرکت سازند.

۴- اگر کسی در صلح خود برود، باید که در صلح خود برود. اگر کسی در صلح خود برود، باید که در صلح خود برود. اگر کسی در صلح خود برود، باید که در صلح خود برود. اگر کسی در صلح خود برود، باید که در صلح خود برود.

۵- اکنون اگر موارد فوق را رعایت نمود اسلحه بزرگ وسیله نفسی است که در کف یک انقلابی، که باید تا مزیز ترین جزو انقلاب خود خلق کرد و در نگهداری و تنظیم آن کوشاشد.

۶- اسلحه های که شما در دست دارید با تمهاتی گزاف و بی قیمت رنج و خون قشایی این خلق قهرمان شده است. اینک در دست شما ابزاری است برای حفظ و توسعه آزادی و حرمت آنهاست. بر این خوار و خواران سلاح بردش موظف است که احساس مسئولیت خود را در این رابطه تقویت نموده و با یک روحیه جدی و منضبط از هرگونه بی نظمی و برخورد غیر مسئولانه بپرهیزد. بر سر دادن تشنگی، اندازی بی هدف، رفتار خودشیفتگی و امثالهم خلیای مملویتی مردم دادند و نقطه صلی کبکی در ستمی دهان باوهگرنان بوجود آوردند.

۷- اسلح در دست یک انقلابی به نارسایی است و به وسیله ایجاد وحشت، در این مورد از ایجاد کترین ناراحتی برای اهالی محل و خانه بپرهیزد.

۸- خوشی کردن بپرتزیب با اسلحه منحرف است. بیچهره ستم حسی اگر صد در صد مطمئن هستید که خالی است. تملق از این مطلب نیز درخور تشبه دیدن انضباطی است.

۹- وقتی اسلحه های غراب نیتود اگر تخصصی در تصور آن دارید. تکریم بیچیت برای ستم آن تلاش نکنید. اسلحه غراب برای آن صغیره خوهران و برادران ذمیلاخ صغیره.

۱۰- هرگز بدست کسی که بر اصحاب خود سلطنت مسلح ندهد. ۱۱- مطاعهای انضباطی را در این عمل و نگهداری اسلحه می گیر نگذارید.

۱۲- اسلحه های که در دست یک انقلابی به نارسایی است و به وسیله ایجاد وحشت، در این مورد از ایجاد کترین ناراحتی برای اهالی محل و خانه بپرهیزد.

نامه یک همفار به نشریه مجاهد

کشورهای زبوسلطان برای امیرالیم از آنجهت ارزشمندند که از آنان برای استقرار حاکمیت وجهانخواهی خود بهره‌برداری میکنند

نامه‌ای را که ذیلاً میخوانید، در اردیبهشت یک همفار فرستاد. درودل هائی که ناشی از سالها خدمت در ارتش و ریاست به امیرالیم شفات میگردد، و چه کسی بیشتر از او آگاه است که در درون سیستم فدخلی، سالیانی سال، بهترین دوران عمر خود را گذرانده، میباید جنایات و غارت گریها و روابط و مناسبات امیرالیمستی حاکم ارتش آمریکا را به نمایش گذارد. اگر خواسته باشیم مفهوم وابستگی را صبیح تر بیان کنیم، اگر بنا باشد که دشمن اصلی یعنی آمریکا را بخور مسوس و محسوس بچشم، حقایقی که برادر همار در تماشای بیان داشته یارگو کشنده گروهای از همین سئله است. مادر عین اینکه از این برادر فخر فرستان نامه‌ی بسیار آموخته، و جانش شکر گنیمت ادواریم که سایر همفارن مجاهد و انقلابی هرجه بیشتر در زمینه بیان مسوس واقعات تاریخی مستند که گاهی در جهت آشکاری جنایات امیرالیم و همفرهای او به آن از کثرت و بالا رفتن دانش سیاسی مردم از طرف دیگر میباشد را باری ننماید.

و براتی که همفارن همفران در جریان قیام هجمن ماه نقش بسیار حاسس و ارزنده‌ای داشته، چه کسی میباید این فرزندان دلیر را علیرغم وجود در سیستم فدخلی تزار بر آن شوریدند و با اعتصابها و راهپیمایی‌ها بعد هم خود اولین گام را در مقابل دیکتاتور برداشتند. اول راه "حمله عریض ارتش پرا نادر" را گشودند و پایه‌های سیستم فدخلی را لرزاندند، در یکگلمتضامان زیربناهای امیرالیم مسلح بودند که "نه" آفرینیدند و تن به خواستهای فرماندهان مردود ندادند و اکنون نیز خلق، چشم اندیشان در درخشان و پشیمانان انقلابی و بعد هم به کلیه زندگان و مبارزین ارتش در برابر واحدسات تا حد افشایی و بیان واقعیتها دست مزدوران را رو کرده و مبارزه ضد امیرالیمستی خلفان را ارتقا بخشید. اماشاهای همدام قبل این سخته همفرهای او به آن از کثرت و بالا رفتن دانش سیاسی مردم از طرف دیگر میباشد را باری ننماید.

بودیم، بار رفتار تحقیر آمیز آنان را بدوش بکشیم. در مقابل کوچکترین اعتراضی، ما را تهدید باخراج از آنها (که خواسته نشی خلی از ما بود) و فرستادن ما به ایران "شرعی شوراوی" میکردند. در همین اولین قدمها، خلی از جهمها که با واقعت امیرالیمو آشکار و عریان رویورده بودند، و یاری حمل شریاط فغان در ایران را نیز در خود نموده بودند، فرار از برقرار ترجیح داده و راهی کانادامیشدند. کشورهای زیر سلطه برای امیرالیم از آنجهت ارزشمندند که از آنان برای استقرار حاکمیت جهانخواهی خود بهره‌برداری میکنند. این مسوس و محتوای آخرین جمله‌ی بود که امیرالیمها هنگامیکه ما را روانه ایران کردند، گفتند. مسئول آموزش ما با کمال وقاحت گفت "ما امیرالیمها، خودتان برای ایستد که ما وهمسایه شالیان میبویانیم. بتوافق برسیم، والا بودوتان چندان نیازی نبود" و این تنها آموزش راستینی بود که در ایندمت دیدیم. بدینگونه، حاصل ما هلاکات و وقت و صرف مخارجی هتکف بودفگ آودن افرادی واله و شهیدای فرهنگ کثیف سرمایدار، با بالال بهره برداری از امیرالیمها ساداری از موجودیت چندان نیازی نبود و چپاول و غارت خلق محروم این سرزمین بود. و بدین ترتیب ویا این دستاوردها بود. امیرالیم ایران شدیم. ارتش ایران عرصه بیکه از میستاران آمریکایی و محل غارت دسترنج خلق مستضعف

پس از بازگشت به ایران و انتقال در نیروی هوایی، برده ژوئی از نمایش آغاز شد. زمان آن رسیده بود که مستشاران خارجی را در لباس وچهره واقعی تریشناسیم. گفتنی است که در ارتش تهاشتای خود ۵۰۰۰ مستشار وجود داشتند که به جاسوسی، تخریب و غارت حاصل دسترنج مستضعفین ما و تحکیم سلطه دیکتاتوری مشغول بودند. (رضی در حدود ششدهای که در جریان انقلاب وجود دادیم). بخش عمده مستشارها را پرسنل دوم پایه ارتش آمریکا تشکیل میدادند. که همگی از افراد باصلاح دست سوم وچهارمی بودند که با کنترل سیا به ایران فرستاده میشدند. قبل از اینکه به انواع مستشارها و کارهایی که بمهدت داشتند بپردازیم، بهتر است بدو" باکتل پسن فراروان های نیروی هوایی با آمریکا بیشتر آشنا شویم. شرکت های سازنده تسلیحات ارتش آمریکا، از کارخانجات وشرکتها چندملیتی شخص و مستعجبند. لی مثل هواپیمای F4 و کارخانه های نام "داتل دالگلس" McDonnell Douglas) میسازد و F4 و F8 و "اگرگون و ... طبق قراردادها میبایمن ایران و آمریکا، ایران نیز ناگزیر بود هواپیمای او را بخرد که در ارتش آمریکا وجود داشت. بدینگونه ایران وارد مملکت میشد که از سطح امنیتی تشکیل یافته بود. شرکت مذکور، هواپیمای آمریکا و نیروی هوایی ایران. مستشارها نیز بدین ترتیب با مزدوران شرکتها چندملیتی فوق الذکر وشرکتها تأمین کننده وسایل ویدئو و تلوویزیون و "تیلیکو" بودند که عمده ازاران بارزنتشی نیروی هوایی آمریکا تشکیل میدادند و با نظامیان آمریکایی بودند که "ظاهرا" بنام مستشار و در واقع برای کارآموزی و آموزش درون خودشان فرستاده میشدند. عمده دیگر خلبانهای بودند که برای پرواز هواپیمایهای مدرن نظیر F-4 که هزینه گزاف و بسیار گران برای ایران میپرداخت میبایند. و گروه آخر که درصد خیلی بودند کدر و تقصیرات و هدایت ارتش نیروی هوایی توسط آنان انجام میگرفت. بخش عمده مستشارها و عده‌ی تشکیل میدادند که اساسا "همچ گونه آشنایی با وسایلی که باید با آن کار کنند داشتند و به ادعاها خود ایشان با این دستگاه ها برای اولین بار رویورده میشدند. آینده هر میسائل یکبار عرض میشدند. چرا که مدت کوتاهی برای آموزش دیدن ایشان در ایران کافی بود. بدینترتیب هر سال یکبار انده مستشاران گلبار بایران سرازیر میشدند. پنجاهان شاهد همین سن که برای وسایل و تجهیزات ارتش ایران میبایند جایی خود را به سوی تازه میسپردند. ناگفته نماند که ما از زیارت اخلبانهای اسرائیلی نیز

بهر نیب نمی‌نامید. منتهی این حضرات نیز خوبنخته فقط برای دوه دین با هواپیمای نیروی هوایی دهشتناکی میبایند.

هانگونه که گفته شد بغیر از مستشارهای بالای ارتش که مستقیما "قائم جانب" و برای کنترل و هرچه وابستتر کردن ارتش میامدند بقیه افراد سرخروده و میسواد بودند که هدف اصلی شان برگردن جبهه و سپس شدن در این خوان گسترده پنا بود. یکی از مشخضترین این چهارمها فردی بود به نام "ادوارد بنز". وی که شغل اعلیش در امریکا راندگی کامیون بود. و اینجا با همگی در خواست و تشامه در نبرهات ماهانه ۲۵ هزار تومان فرستاده بودند. البته چندان هم بیکار نماندند و توانسته بود با ادراج با یکی از افراد فامیل دربار، برای خود جابه و مقامی کسب کند. شب تا صبح در کانهایی ایران مشغول عیش و ششرت بود و مسع مست و لایقفل، سرکار حاضر میشد. پس از مختصر استراحتی، ارضاعت ده صبح نوشیدنی قهوه، حوالتی نظیرهم زحمت را کم میکرد. در مقابل کوچکترین اعتراضی بنا با تهدید خاشخ رویورده میشدیم که ما را به نیشاز ریمی و ضد اطلاعات ابراج خواهدداد.

میبیم که چگونه ارتش ما عرصه بیکه تاری های شتی افراد خود فروخته و مزدور بود که اگر چه نام آموزش برسرل وکتد به نیروی هوایی ایران، وارد میهن ما میشدند. ولی بی الواعی خود این افراد برای آموزش دیدن میامدند. و چیزی جز شتی دستن های اوزار شده که نیازمند وارد کردن انبوهی دیگر از وسایل و تسلیحات آمریکایی بود. و فرهنگی فاسد و مبتذل برای ما بجا نمی‌گذاشتند. حال باز به یکی دیگر از وجوه عملکرد مستشارها نظری بچکیم.

برخورد مستشاران و عکس العمل کارگران

واکنش کارگران در مقابل...

۱- ایستادگی در مقابل طرحهای که مستشاران شوراها و ایفای استی در روزهای پس از موفقت بنا شامد بودیم که بی جناح از سیستم حاکم یعنی هرده سرمایدار، راست از ترس رخنه سازمانهای انقلابی به درون محیطهای کارگری از کار شوراها را علم کردند تا تشکلات کارگران را وابسته به خود کنند. دروهی گنگتد که ماهیت این طرح برای کارگران روشن شد و خود دست اندرکاران این طرح هم در بهاد مگردن آن در آمدند. در یک از جلسات توجیهی این جناح برای کارگران، یکی از کارگران پارس الکتریک شوالی از نماینده آن طرح کرد. که شتیای درمادگی آنان را میسازد. از گفت: آقا بنام شما که امتیاز از قرآن و آیه آری ما و ضرورت شورا میگویند اگر راست می گویند بگویند یا اصل جمله پیش نویس قانون اساسی چه باید کرد! امیرالیم حاکم پسین دولت این طرح سیستم حاکم پسین دولت این طرح برای کارگران را با این بیشتر از زمان خود آنان بارگو محروم کرد.

اکنون میبیم که طرح خودشان و همانگی دولت با ابراج مخالفتها آگاهانه کارگران با برادران برخورد کرده، و مشکل است که این شورای بی محتری نتواند حاکمیت خود را تثبیت نماید و آوا بود آمدن شورا های واقعی و تلگوری است. جوانترین اتحادیه ایران راه کارگران را میسازد

مثلا اتحادیه سراسری شوراها کارگران سازمان گسترش و نو سازی صنایع که از جوانترین اتحادیه های ایران محسوب می شود با درک فوری بهادهای وضع طرح شوراها دولتی زیر بار این طرح نرفتد و به چهراسن جمع عمومی خود برای تلگوری از اعتراضات سوا به این طرح اتحادیه مذکور طی فطنامه ذیل عطفی خود را بار دیگر اعلام کرد.

بنام خدا

مجمع عمومی اتحادیه سراسری، خود را در حرکت ضد امیرالیمستی ملت ایران رهبری امام خمینی پسند داشته و تاکیه می کنیم تا قطع نفوذ اقتصادی - نظامی - سیاسی فرهنگی امیرالیم جیبانی بهره امیرالیمها و آمریکا نابردی نظام سرمایدار را وابسته به امیرالیم در ایران سرازورده و معن تا جای جان ادا داده و ضمن پشیمانی از مبارزات بر حق خلق

ماز موداشت. از جمله داشتن وسایل مورد لزوم از قبیل کتاب، وسایل یدگی و تعدادی عدم مهارت، مثلا کارکردن با رادیو اکتریبیه، احتیاج طبیان، وسایل وکتب خاص داشت که از دست ما دور نگذاشتند. ناگفته نماند که قسمت عمده ای از تخصص این مستشارها در کتب خاصی خلاصه شد، که چون گوگردانهایی آنرا حفظ کرده و میبویمجه آژوا در اختیارمانی گذاشتند.

تسخیر ایستادگی خلی از وسایلی که برای ما ارسال میشد فرصت و مجال حتی بیکار استفاده از آنها را نیز پیدا نمی کردیم. به عنوان مثال لازم بود یعنی (tester (آزمایش کنندهها) هر شش ماه یکبار، در آمریکا مورد بازرسی و آزمایش قرار گیرد. برای این منظور ابتدای هر شش ماه این وسایل به سئله بندی شده، به لیکنیتی فرستاده میشد تا از طریق ما هواپیمای آمریکا ارسال گردند. این وسایل این مسیر را طی میسودند و آندبا مورد آزمایش قرار گرفته و باز گردند. مهلت شش ماهه اش برسد و بدین ترتیب ما هزینه گزاف وسایلی را میپرداختیم که از امکان حتی بیکار استفاده از آنها نیز محروم بودیم. وسایل دیگر نیز وضعی از این بهتر نداشتند. دستگاههای نام "P.S.M" را هر چند مدت بیکار، قبل از اینکه با طرز استفاده و کار با آنها را یاد بگیریم، با انواع جدیدت و اصطلاح مدرنتر، جایگزین میکردند. تازه خلی از این وسایل فقط در هنگام جنگ بکار میامدند. خلاصه نیروی هوایی ارتش تهاشتای ایران، از وسایلی بنجل و سردنخور آمریکایی شد بود.

این شوراها حلال مشکلات نخواهد بود.

یکی از بدیده‌های که از نظر طبیعی مبارزه دو دهه‌ای مستضعف جان گرفت و ریشه دوانه شورا بود. ... و آنچه که تصور شد به آن فرستاده شد که در یک دولت دولت انقلابی انتظار میرفت و نه آنچه که توسط انسان ساز اسلام شوری می نامند بلکه می شود گفت که نهاد اداری که در قالب شوری و نهی از نظام شوراها است ... قانون پیشنهادی دولت در مورد شوراها بدینترتیب را جدا از تولیدکنندگان واقعی میدادند و همین جدایی سرازیر میامدند است. اگر مدرسان گذشته چه گلی به سر این تلر داند که این چنین زیر چتر حمایت کش فرار میگردند ... حرف این نسبت که تخمخما و تحریکها و هیچ انگاریم ولی کدام عنصر و تجربه تخصصی که در اداره امور مربوط به ملت در پیشبرد هدفهای شتیای انقلاب در رسدن به جامعه تخریدی قرار گیرد ... این تخصص فزاینگان و حرافان قدرت و ظام و پرورش یافته‌ای که در دست بودند - کراسی زاید از یک نظام فسادآور ... (که نظامی را همین نظام شوراها) به فطله بده نامیم آن وقت دیگر با بند و نصیحت هیچکری درست نشدند و اعتماد و آزادی مسعود که فقط قیام در ذهنها جای داد. در هر عمل. آخر چگونه اعتماد بوجود میآید که سیستم بد از همت ماه که از انقلاب اسلامیان میگردد همان مدبران نظام پیشین میماند؟ خواست اکثریت سراسری قدرت و نظام و تحریکات سراسری میسود و اعتماد و آزادی نظامی چنان فاسد سازندگان اکثریت بنام شورا با آنها بنشینند و اعتماد پیدا کنند و به صورت هم بردارند! این شدنی نیست مگر آنکه شوراها به معنی وسیع آن بی بخش قدرت در سن همه نه تمجید آن دست یک گروه بیهوده گردیده تمج قدرت فساد آفرین شد و شوراها نیز باید در کلیه مراحل تولید و مصرف نظارت مستقیم داشته باشند. ... چه کنیم آنچه را که بنام اسلام و نهی از اسلام گنیمای مستضعف دلمان را میآورد و حرکات ملتضوم بعد از انقلاب با چشمه عروس کردیم که به ملتضی راجحان نیکبازان آرد مگر اینکه در مقابل خدا و مکتب و خلق مسؤل و مستعصم پس باید برادرانه بگویم گفتای شوراها شت میدان بهترین برای حالت و تاز است میسود و این شورا مثلا "شورای ملیک از مشکلات سیستم اداری و اقتصادی نخواهد بود و اصولا "طرحهای انقلابی را میسورد در یک سیستم فسرانلی بپاده نمود و نتیجه شدت کرد...

شعر خون در فلسطین در بند

(قسمت دوم)

هنوز شاعر فلسطینی مردانه می جنگد و

اسرائیل این طاغوت خانه عنکبوتی می لرزد

در سال ۱۹۵۹ اسرار روشنفکر جبهه ای بنام جبهه الارض تشکیل دادند و با استفاده از قانون اساسی اسرائیل که به هر نفر اجازه می دهد در سال یک کتاب چاپ کند ، به انتقاد نشریه ای آغاز کردند و توانستند ۱۳ شماره چاپ کنند . اما شماره سیزدهم که بهاد طاغوت صهیونی در برت صمد چاپ شد و بر سر سرود و مقالات انتقاد آمیز و تمجیل از ناصر بود . باعث شد که پلیس اسرائیل نام اعضای جبهه را دستگیر کند و به زیر شکنجه کشد . شدت شکنجه بقدری بود که دوش از افراد جبهه در زندان خود کشتی کردند .

به این طریق تا سال ۱۹۶۵ که سازمان آزادیبخش فلسطین فعالیت خود را آغاز کرد خامه تا نبود گرامه شامل مبارزه بدست شمرهای صهیونی بود ولی پس از نبرد گرامه و پیروزی حماسی سازمان بر اسرائیل ، ترس و با من توده ها فرو ریخت و انسانه غریبه نایدیوری اسرائیل ، با این شکست درهم ریخت و طاغوت در سرزمینهای اشغالی در ابعاد گسترده تری ادامه یافت .

«صایمان» بی رنگ ، بی طعم ، بی صدا خواهد بود اگر روشنی را از منزلی به منزلی نبرد و اگر عواصم سناش را نهند چه بهتر که دورش اندازیم و سکوت کنیم . اگر این اشعار چشکی باشد در دست زمکنشک سلاخی در دست مبارزی داسی در دست کشاورزی و پیراهنی با دری و پا گلیدی پس من شاعر و من خواهم سرود (محمود درویش)

از این پس مطلقاً لااقلاتی نظیر شعر برای شعر ، هنر برای هنر که دولت زرگانه آنها را ترویج میداد بی ارزش شد " شعر حربه خلق" شد . خون صغرا در سرود فلسطینی جوید " و شامردستایش خشم ، فریادش خشم و خون رنگبایش صغرا ، خشم شد . شاعر در این دوره که توده ها باوری انقلاب شده اند دیگر مثل قدیم به انتقاد آنها بسپردار ، بلکه ماسفانه به گزارش شور و تپش زندگی آنها و درد و انداختن سپردار .

شاعر ، همه چیز را می خواهد در عمل ، در تجربه ببیند . نمی خواهد که کتابی باشد در گوشه کتابخانه ای . او شایسته کلی است که در صحنه اقدام بربر سرود ، در آماج رگبار مسلک ، ایستاده می ببرد ، کلی که در هیچ فرهنگی آن را نتواند یافت .

قبل از امروز گستاخ را از فرهنگ ها بیرون میکنند بی تک می گلی را که از فرهنگ لغات بیادیان شمری چیده شود نمی خوانم و باور نمی کنم . گلد بدست کشاورز پرورده می شود در جنگ کارگر زیادت گل از زخم جنگجویان می رویه در جبهه استواران چون صغره . (محمود درویش)

او همه چیز را در عمل فراگرفته است ، می داند اگر انسان نخواهد میتواند " کوه را از جا بکند " و در مبارزه عشق مشقش به بردم ، شکفته است .

شرمگین نیستیم و می دانیم چگونه تنگ بدست گیریم و چگونه طاوت کنیم میدانیم کارخانه را چگونه می سازند منزل و بیمارستان و مدرسه و بیمارستان و موسسه را . زیباترین سروده را میسر کنیم . سرشار از عشق و اندیشه های بزرگ . (محمود درویش)

شاعر ، خود چرک است ، در یک دست مسلسل و در دست دیگر کتاب و می داند : بدون روغن غوثان آزادی که ما چراغش بودیم روشنی نمی داد .

" وصیت " خون پوی میگردد : طاوت کن " هنگام ترکبکنه شدن مبارزان تازه ، زرم خود را در میدان نزاره ای آغاز میکند .

درایتجا فرآوری شما چون دیواری استواری ایستیم بر گلوتیان چون شیشه ای خارماری می خلم و چنان آشی سوزان در چشم هاتان زبانه می کشیم گریسته ، عریان ولی مبارز ، سزودمان را می خوانیم بزمن و گوی ها را با اعصاب سرشار میکنیم و زندان های بلندتان را بر میکنیم فرزندمان را با قلبی پرکنه بهار می آوریم ما هزاران انسان دست نیافتنی هستیم در اللد ، الرطه ، الجلیل (تولیف زیاد)

اگر باید که نام را از دست بدهم و پیراهن و بسترم را بفروشم یا از گرسنگی بپریم . دشمن انسان سازش نمی کند و تا پایان می جنگم آخرین تکه خاکم را هم بگیر جوانانم را به زندانهای پیر کتابهایم را بسوزان دام ترس را بر ما مهای دهکده ما بگستر دشمن انسان ! سازش نمی کنی تا پایان می جنگم . (محمد القاسم)

از نیارها ، ، همچون جن ظاهر می تویم

از بسته های پست از ایستگاه های اتوبوس از جیمهای سگاز

از پب های بزمین از سنگ قبرها از تکهای گیج از برکهای قرآن ، از لابلای طرها و آبها

بر شا می تا زیم از دستخان رهایی ندارید که ما دریا ، در آب ، در گدگها

پراکنده ایم رهایی ندارید هرگز رهایی ندارید که در هرخانه تنگی است

راهائی ندارید که در ساحل نیل تا ... مردان ما بی خبر می ایند

با خشم رعد و ریزش باران (نزار قاسمی)

شاعر در این دوره از نبرد ، از امید سرشار است ، و به روشنی فردی آزادی را می بیند و می داند که از خون شهیدانش ، سوار در قدش لوشی سیزه و گل میگستراند چنان اسودار که حتی یک تنه حاضر است در برابر فوج عظیم دشمن بایستد :

سرزمین عظیم هرگز می تواند روشنائی ترا نابود کند از میان امیدهای پاهمال شدات

از میان لیکنده های به تاراج رفته ات از میان زخمیرهای ، شکنجه و ویرانیت

از میان دیوارهای که پوشیده از خون است زندگی با پدادر خواهد ماند .

ای سرزمین عظیم ، ای زخم عمیق و عشق تنها ، (قدوسی طوفان)

آشنايان همه رفتند در زندان ها ، تمیدگاه ها بر سرزمینا ، و کالت ، مجلس

من مانده ام و سه چهارم در بند دیگر چه قدرتی میتواند لوله تفنگ مرا خم کند ؟

برویه ، بروی ، من می ایستم من می ایستم

با بازویم و تفنگم ، (محمود درویش)

و این ایستادگی بی کفر نماند ، و دزخیم دهما شاعر مبارز نظر فسان کفانی - میدالنجید شاموری و ... رادر صحنه با در ترموری به رگبار گلوله

سرد و با در زندان و شکنجه سالیای دراز نگ داشت ولی هنوز شاعر فلسطینی می رزمند اسرائیل خانه عنکبوت می لرزد .

معرفی کتاب:

سرمایه کنونی یا پاسخ به مسئله

موجودیت و دلایل انجام ما

از سلسله کتاب های " درباره " سازمان (شماره ۱) است که موضوع آن ارسال عذر در داخل سازمان آموزش

داده شد . این کتاب که از مهمترین مباحث آموزش تشکلاتی بعد از ضربه اپورت- نیستیای چپ ناست ، اساساً حول

ساله " موجودیت " دور میزند . بطور کلی بعد از ضربه عاشانه سال ۵۳ ، باز دیگر ساله " وجود " تشکلاتی یعنی طرف هستی سازمان یافته میاهدین ، در ضایعیت اپدو- لوزیک و اجتماعی - تاریخی آن ، در

صدر مسائل قرار گرفت . سال ۵۴ درمشتن خیره کننده سازمانها ، تقویو ابرهای شیر و

ظفانی شد . تاکنون ضریات سختی از جانب رژیم دست نشانده و کجده و کوردموسوم که به شهادت و شکنجه و اسارت صدها تن از اعضایان سحر شده بود اما غریبه " خیانت پاراپورت-

نیستیای چپ نما به اعتبار ابعاد صمق و گسترده سیاسی- اپدوتولوزیک آن ، کیدما " شطارت بود ، مردمی که ملیرغم همه " تعلیمات زهرارگن رژیم شاه ، مارکسیست بودن میاهدین را باوه های پوچ تلقی می نمودند ، ناگهان

با واقفیت تلقی مواجه می شوند ؛ سازمان میاهدین ، مارکسیست اعلام شد .

بعد از این ضربه ، انبوهی از رفیقان و دشمنان فرصت یافتند دماوی طلکارانه ا خود را به جریان اندازند- بخصوص که در چنین شرایطی

یک جریان قدرتمند " راست ارتجاعی " با تمام مظاهر ردیالانه ضد توحیدوای سر برداشت و میاهدین را در تمامیتش

از روز تاسیس تا کنون ، به مبارزه طلبید . مرتجعین راست ، دست در دست

اپورتونیستهای چپ نما و رژیم ، با " مارک " القاط " به جان میاهدین افتادند . و علیه اعلام انقلابی

آری ما طی این آزمایش ، با همه پاکسازی ها و تصفیه های ، به عقابیت

مکتبی بی بردیم ، که درک راستین آن در برابر ضربه زنده ترین تضامات دوران نیز ، آسیب ناپذیرمان میازد .

بدینگونه طی این آزمایش اسلام راستین و واقعی ، بار دیگر با روح عالی حوثی ، که از پیش نیز خاکبگ

تایستفایش بود جا گرفت ، برآستی اگر چنین اسلامی وجود نمیداشت ، ما قطعاً

بایستی به راست میگردیدیم . اما جریان ممل ، یک چنین موجودیت واقعی را در نوک مکان محور ترفی

خواهی ، بلکه در آنسوی انقلابی ترین مکتب رایج بشری ، لافال در همان

حیطه گما ازوموم به اثبات رساند . به آن حد که ما احساس میکنیم

نشیعگیهای فلسفی ای که توند به درستی تبیین کننده " این " جریان

عمل باشد ، هنوز برای نسل حاضر رود است . بگذار تا در نسل ها و دورانیهای

بعد این نشیعگیها ، ماری از هر حب و بغض گروهی یا برامی ، روشن تر

بدرخشند . همینقدر باید بگویم که : آری " ما در عمل خدا را دیدیم " ؛

منهای خدا ، با بهتر بگویم منهای عقابیت آن تبیین فلسفی که گواه

وجود خداست ، ما هرگز در این نقطه نبودیم و هیچوجه بر سر همان مواضع

اصل سازمان باهداری نمیتوانستیم کرد و این مواضع و سنگرها لاجرم در

برابر واقفیت خردکننده اجتماعی سیاسی فرو می ریخت و بالااقل قابل

نگهداری نبود . حال اینکه امروز پس از چهار

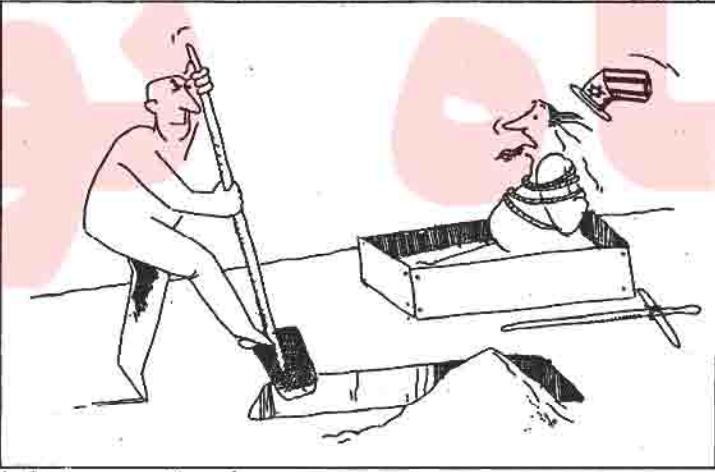
سال که از غریبه و دو سال و چند ماه از این آزمایشها می گذرد ، هر روز

بیشتر شاهد درستی و صحت آنهایم .

عاشورا فلسفه آزادی

هرچا که انسان شکنجدهای هست پیام تو را به او برانمیزد ، " همیات مائلاله " ای حسین ای وارث عصی ای وارث موسی ای وارث محمد ای وارث علی " ما با تو عهد می کنیم که هرچه در توان داریم در جهت شکستن این بیست تاریخی در مبارزه با امپریالیسم جنسوار آمریکا آتزا بکار بندیم ، و حسین ای شادای رهایی انسان ، ما با تو عهد می بندیم که رسالت رهایی بخش جهانی اسلام را تا هرقوت که می توانیم و تا هرکجا که می توانیم بدان عمل کنیم و این را میسرگیا که می توانیم برسانیم ، و تو ای خدای حسین ! ما را بدین عهد - که البته بسیار سخت و دشوار است - عیاشته گردان (اس ۲۶ کتاب)

این کتاب متن سخنرانی برادر محاهد موسی خیابانی بهاسبت عاشورا در دانشگاه تهران است . در این سخنرانی که پیش از سه ساعت به طول انجامید ، برادر موسی خیابانی به منظر تحلیل " جریان عاشورا " به تشریح زمینه های آن و بررسی مختصر تاریخ اسلام پرداخته است . سپس در مرشه متاع دین در دکان های جدید بنشانه یک راهنمای ممل ، به جوهر " آزادی " بخش فامی حسینی اشاره کرده است . در پایان کتاب برادر موسی باردیگر بر سبقت مؤمنین میاهدین با میخواستارین انقلابی که در طول تاریخ پرچم سرخ آرمان توحید را بر - افراشته اند تاکنند تاکید نموده است ؛ " ای حسین ای وارث نوا ای وارث ابراهیم اما با تو عهد می کنیم که در



مرحبا به پیر عشق

هر دوست من در میان دستهای گرد

انتظار عاقبت به سر رسید سرشد درخت عشق و باغ زبیر برنشت شب زهره عاشقان گریخت نوبت سحر رسید روح خلق ، عاشقانه تر سرود خویش را با زبان سبز عشق خواند هرگاه که نغمه اش چید سر شد چمن سحر دشت دشت عشق سبز شد زگوچه های پوست و شعر باغ باغ سرو زرت از زمانه و زمین نهر نهر گریه های شوق گشتجاری از شاه عشق زبیر " بزد " با دو دست عشق دست داد با تانای برادران خویش " گرد " سر شد گزدها جوان شدند وز تانای زمین خلق آریا نکه جوانمطای سرخ گل دید با زبان گرد ، من سرود خواندم و سرود سبز عشق را پیرما به گرد و فارس و اوز و آوارز یاد خون کرد و ترکمن ترک و دیلم و بلوچ یک ترانه را هسرا شدند

موضع گرفتند . بدین ترتیب اگر تا دیروز هزرتو رابطه و نزدیکی با میاهدین در مقام رهبری جنبش انقلابی و به ویژه جنبش ترغیبخواه انقلابی اسلامی ، برای بسیاری مایه افتخار بشمار میرفت ، امروز دیگر کاره گرفتن از آنها در دست باد بود . حتی عنوان " شهید " را از شهیدای پراختیاجیاهد سلب نمودند . خلاصه مرشه متاع دین در دکان های جدید التاسیس دین بازی و دین سازی رواج یافت و فریاد " شرعوه خواهی " بلند شد . بدین گونه " میاهدین " با

آشنایی با مردم صحرا و جنبش آزادیبخش آن "پولیساریو"

اردوگاههای آوارگان، دانشگاه انقلاب مردم صحراست و مردم این اردوگاهها

سربازان یرو توان این انقلاب می باشند

در این میان پولیساریو بجایه کوشش میکرد که در زبان و کودگانی را که در میانانیا آواره و سرگردان بودند نجات دهد. به سمت نزدیک ۵۰ اردوگاه برای بیش از یکصد هزار زن و کودک و بی سر تکامل شد. در این زمان موریتانی با حمایت فرانسه از جنوب شروع به حمله نظامی کرد. این حملات اغلب با مقاومتها قهرمانانه ای از جانب مردم صحرا مواجه میشد. بطور مثال در شهر "لوگاریا" جنایتکاران موریتانیایی در ۱۲ روز مقاومت قهرمانانه مردم روبرو شدند. در این مقاومت مردم "لوگاریا" حماسهها آفرینید. و اولین "شیدت بز" را به خلق صحرا تقدیم کردند.



آزادگان ۱۹۷۷ صورت گرفت.

سوله از طرف سازمان ملل موریتانی یافت که ساله خودمختاری را مورد بررسی قرار دهد. وی در گزارش خود اعلام کرد به دلیل قتل و شکنجه مردم آنجا بر خود آزادی با آنها وجود ندارد. همچنین ارتش مللک حسن برای تصرف مناطق جنوبی صحرا، که آروند کادهای آوارگان صحرائی در آنجا برپا شده بود، اقدام به حمله مردم بی دفاع این مناطق نمود. به علت عدم وجود وسایل آتشی، سازمان ملل، ضایعات فراوانی را موقتاً شد. نزدیک ۵۰ نفر شهید و زخمی شدند. اردوگاههای "برلاهو" و "تبارتی" کاللا" به آتش کشیده شدند. بمباران پایالم و فسات در مناطق چادر نشین باعث کشته شدن افرادی شد. این رفتار وحشیانه کشتار ارتش مزدور مللک حسن صورت گرفت. افکار بین المللی را نسبت به صحرا جلب کرد. "پولیساریو" از سازمانهای بین المللی و مسلم سرج استفاده نمود. در برای بیش از صد هزار زن و کودک کشتههای اولیه فرستند. همچنین پولیساریو با هیچ نام نیروهای خود مردم صحرا را به مناطق آمتری منتقل کرد. این نقل و انتقالات که با همکاری کشورهای الجزایر و چند سازمان بین المللی صورت گرفت، در ۱۵ مارس ۱۹۷۶ پایان گرفت. و مردم صحرا در اطراف شهر "تندوف" نزدیک مرز الجزایر سترگ گردیدند.

پولیساریو با پایتوبس تودایی فارغ از این شکل نبرد بی آنان خود را ادامه داد. پولیساریو در آموزش سیاسی آوارگان و سازماندهی آنها و بخش مسئولیت در بین مردم کوششهای زیادی انجام میدهد هر روز

مجاهد شهید محمد حسن آبرازی سبیل مقاومت و شکست ناپذیری

همان که در بخار برای تودهها نازش کرده و در گذار گیری از دروازه تکامل صنایع بسیار قرار داده است، و از طریق آن برای کشندگان واهی خدا و (راهزنی) نیز شناخته میشود. "وانزلت الحدید قیاس شهید و" تنایف للکافی و بیلم الله من و" (حدید - ۲۵)

در این رابطه بود که به طوفان سازمان مجاهدین خلق تریاد وی تا سال ۵۰ در ضمن حفظ ظاهر در فعالیتهای مختلف سازمان شرکت کرد. مرحله جدید: آغاز کار ۵۰ ساله سال برگزاری جشنهای ۲۵۰۰ ساله شامشاهی بود و سازمان

عدها زیادی از شهرهای مختلف می-گریزند و به اردوگاه می آیند و پولیساریو به سرعت در پایابون سواد سیاسی آنان اقدام میکند.

از ۹ ژوئن ۱۹۷۶ روزندگان صیبه به نواکوشوت حمله کردند و ضربات سختی به نیروهای دشمن وارد نمودند. هر چند کمبری از ارزندهترین باران خود یعنی شهید والی مصطفی سید را که اولین سیر گل صیبه پولیساریو بود از دست دادند. از دیگر عملیات بسیار چشمگیر چیرکهای صحرا حمله به عتقه منیم زویرات به بندر نوادی بود که در ۱۹ صحرای نامکس سازد.

در پی این موفقیتها بود که پولیساریو چهارمین کنگره خود را در ۲۱- ۲۵ سپتامبر ۱۹۷۸ برگزار کرد. در این کنگره که بنام شهید سید هودک نامگذاری شد ضمن تأکید بر مصوبات کنگره سوم که معاد آن در پایان گزارش خواهد شد، تصمیماتی در جهت گسترش فعالیتهای سیاسی و تنظیم ارتش مللک حسن در جهان اتخاذ گردید.

حکومت موریتانی دروزری فشار حملات پولیساریو و فشارهای اقتصادی گرومی ریزد

گسترش حملات پولیساریو در داخل موریتانی سبب شد که در ۱۲ ژوئن ۱۹۷۷ مراکش موریتانی باوفقنامه را امضا کند که مخبران دفاع مشترک بر علیه حمله بیگانگان آ بود. به دنبال این موفقیتهاه مراکش دهمراز سرباز به موریتانی فرستاد. در ۳ ژوئن ۱۹۷۷ بار دیگر پولیساریو پایتخت موریتانی را زیر آتش گرفت. مامقت حملات مداوم پولیساریو و فشارهای اقتصادی - سیاسی و دفع حکومت منجر به سقوط مختار اولدادا در ۱۵ ژوئن ۷۸ به وسيله کودتا گردید و مصطفی سالک قدرت را بدست گرفت. ۱۲ ژوئن ۷۸ پولیساریو با موریتانی اعلام آتشبس کرد و در ۱۵ اوت ۱۹۷۷ قرار داد مسلمی بین پولیساریو و موریتانی منعقد گردید و بدین ترتیب موریتانی از دشمنی بر علیه مردم صحرا دست برداشت و سلطان حسن بزدرور در جنگ علیه مردم صحرا تنها ماند. البته به بهی است امیرالاستهای

آخرین دیدار نظر با خانوادههای را از زینان خورشید خلق میکنم: "تابستان ۵۰ حسن از تهران به جرم آمده بود. پلش همیشه شاد و خندان. وقتی پایش بخانه میرسید محیط خانه پر از شادی و نشاط میشد بطوریکه آدم در فراتر از حدت از یاد میرسد... صبح یکی از روزهای شهریز بود که حسن مشغول نماز خواندن بود، یکی از دوستانش آمد درب خانه، حسن با عجله نمازش را تمام کرد و سراز آن دوست رفت. کشوری کوتاهی با هم کردند. وقتی که برمگشت، قیافه اش کمی برافروخته شده و حالت خاصی پیدا کرده بود، من و مادرم در حال خرید چیزی شده از او سؤال کردم: چی شده؟ چه خبری برایت آروند؟ او مثل همیشه و با روی خوش گفت: هیچ خبری نیست... نیصاعتی بعد میرا صدا

در سپتامبر ۱۹۷۷ در حمله به بادگان بوشن زهرا بیش از ۱۵۰ نفر از مزدوران مللک حسن کشته شدند. اسیر و تعداد قابل توجهی خودرو و سلسلهای سنگ و سکن به وسيله پولیساریو به غنیمت گرفته شد. روزندگان پولیساریو بارها شهر "تین" در داخل مراکش را به زیر آتش گرفتند و در اواسط اکتبر ۱۹۷۷ طی حمله ای شهر اسیر (از شهرهای مهم مراکش) بادگان ارتش مراکش را به تصرف خود در آوردند.

نقارهای نظامی و سیاسی پولیساریو سبب شد که مراکش از فرانسه تقاضای سراز نماید. همچنین این تقاضا همراه با ضعف شدید اقتصادی مراکش و فساد درونی سازمان اداری، ارتش، سلطان مزدور را کاللا در موضع دفاعی قرار داده است. در عین روزندگان صحرا به رهبری صیبه پولیساریو هر روز نیروزی های تازه ای در زمینه های سیاسی و نظامی کسب می کند. بطوریکه پولیساریو توانسته بود را به میزان نسبتاً نامتدیده واقعی مردم صحرا تثبیت کرده و تاکنون بوسيله ۹۹ کشور به رسمیت شناخته شود.

زمان وحدت افریقا نیز همواره از پولیساریو حمایت سیاسی کرده و مللک حسن شهید" نفوذ کرده است. بی مسئولیتست کنگره انجیا ذکر می جم از "لوزیاریو" شود. "لوزیاریو" سازمان جوانان صحرا میباشد که در واقع شکل و تنظیم جوانان صحرا را به عهده دارد و در سطح جهانی در بسیاری از مجامع مورد اعتبار فراوان میباشد.

نگاهی به اردوگاه اطراف شهر تندوف

مانطور که ذکر شد بعد از تضرش مراکش به صحرا در ۲۱ اکتبر ۱۹۷۵ کشتار بوحملانه مردم، و جنگ و گریزهای موضعی و سرگردانهای نامطلوب و ضایعات فراوانی که در اثر این تضرش به ملت قهرمان صحرا وارد آمد، بالاخره با هراهی سازمانهای و کف برخی سازمانهای بین المللی اردوگاهی در اطراف شهر تندوف الجزایر برای آسکان مهاجرین صحرائی برپا شد.

پولیساریو کلیه امکانات خود را در تشکیل این اردوگاه بسیج کرد و با هر نظر گرفتن شرایط طاقت فرمای بهایانی محل جدید و کمبود امکانات، و انبوه مشکلات دیگر اردوگاهی با حد اکثر ظرفیت و امکانات تدارک دید. اردوگاه به بخش به نام تقسیم شده است و در بخش های (سوره، دغله صحرای میسند و العمون، اسره، دغله بزکرا ۱۰۰۰) اهالی هر شهر در همان بخشی که نام شهرشان سترگ سترگ می شوند تا بتوانند اسباب لازم را برای تشکیل شهر خود نگاهدارند. همچنین از آزاد ساختن پنهانند. در این اردوگاه یک مدرسه اسلامی



وجود دارد که تحصیل در آن برای تمام بچهها ضروری میباشد و نزدیک به سه هزار تن دانش آموز در این مدرسه علم داده میزونی دارد.

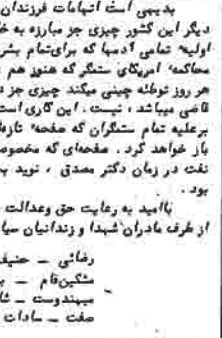
همچنین اردوگاه دارای یک بیمارستان است، که توسط زنان ساخته شده و بطور رایگان به بیماران راهالجه میگوید شهید" تبار به لوگاریا اولیه بهداشتی و پزشکی دارد. مرکزی برای نگهداری کودکان و آموزش مادران دارد. یک مرکز تعاونی کشاورزی در این اردوگاه سترگ میباشد که فرآوردههای کشاورزی را با قیمت مناسب میفروشد. سازمانها راتاسمین میباشد. موجود در اردوگاه وظیفه آموزش نظامی افراد اردوگاه را به عهده دارند. و چند سالن برای اجتماعات در نظر گرفته شده است.

رفت و آمد در این اردوگاه توسط لندروور (که در آنجا به تتر صحرا معروف است) انجام میشود و لندروورها تماماً از مللک حسن به عیست گرفته شده و میسوزند. با وجود کتکهای ذبحیتی که توسط کتکورهائی نظیر الجزایر و لسی و دیگر کشورهای شرقی به مردم صحرا میشود ولی همچنان نیازهای فوق العاده ضروری برای یک حداقل رفاه در اردوگاه به عیض میشود.

تنگر اف مادران شهدا و زندانیان سیاسی مجاهدین خلق ایران به قضات دیوان بین المللی لاهه

قضات محترم: اکنون که دولت سترگ آمریکا علیه جمهوری اسلامی ایران، به دیوان بین المللی لاهه شکایت نموده است تا به زعم خویش، بدینوسیله سرپوشی روی جنایات چندین ساله ای که توسط آمبوران خود در ایران، مرتکب شده گذارد، ما مادران شهدا و زندانیان سیاسی مجاهدین خلق ایران، که تنها چیزی از هزاران هزار مادر داغ دیده ایرانی هستیم که فرزندان کشته شده ما را جلا نماند، به دستکاری آمبوران و مستشاران آمریکائی که بنام دیپلمات در ایران مشغول بوده اند تا سرحد مرگ شکنجه کرده و به شهادت رسانده اند، به خود حق میدهم که توبیحه قضات محترم را به ضرورت محاکمه آمریکا و همچنین شاه خائن چلبه و در همین رابطه تقاضای نامحتم را اجازه فرمائید ما به عنوان شاهد، در هر گونه رسیدگی مربوط به روابط ایران و آمریکا در دیوان بین المللی، حضور بسمیرا بنامیم.

پایید به رعایت حق و عدالت در رسیدگی به جنایات شاه و آمریکا در ایران از طرف مادران شهدا و زندانیان سیاسی سازمان مجاهدین خلق ایران: رفائی - حنیف تواد - محسن - عادی - خوشدل - شگین نام - بدیع رادان - کبیری - ایرمشچی - میهن دوست - شامسی - لیلیائی - ژواد - سعیدجویری - عدائی - صفت - سعادت - سیدی کاشانی - سیدی جاوید.



۱- کمیته اجتماعی و عدالتی، وظیفه آموزش مسائل دینی و سیاسی و امور مربوط به ازدواج و مشکلات دیوان اردوگاه را به عهده دارد.

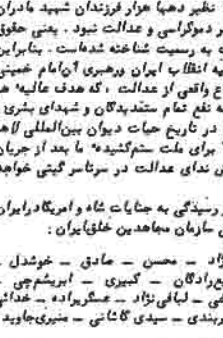
۲- کمیته آموزشی-سواد آموزی به کودکان و بزرگسالان و همچنین آموزش مسائل سنتی - بهداشت عمومی - سواد - عهده وظایف این کمیته میباشد.

۳- کمیته بهداشت - مسئول رسیدگی به مسائل بهداشتی و واکنسین کردن مرتب افراد اردوگاه میباشد

تنگر اف مادران شهدا و زندانیان سیاسی مجاهدین خلق ایران به قضات دیوان بین المللی لاهه

۴- کمیته صنایع دستی و طیفه این کمیته است که برخی وسایل مورد نیاز اولیه را از مواد غیر قابل استفاده مخصوص لوازم جنگی سازد و در این مورد آموزشهای لازم را در اختیار افراد مناسب قرار دهد.

۵- کمیته سلامت با زبان میباشد، تمام افراد در اردوگاه باید خواندن و نوشتن را بیاموزند و علاوه بر این کمیته، دو مدرسه و یک مدرسه و یک کلاس تمام افراد اردوگاه را در بر میگیرد. تمام افراد اردوگاه در یکی از این کمیتهها فعالیت میکنند. البته اکثر جوانها و برخی پسران را در ارتش و صیبه هم میتوان یافت در یک کلاس تمام افراد اردوگاه را در بر میگیرد. تمام افراد اردوگاه در یکی از این کمیتهها فعالیت میکنند. البته اکثر جوانها و برخی پسران را در ارتش و صیبه هم میتوان یافت در یک کلاس تمام افراد اردوگاه را در بر میگیرد. تمام افراد اردوگاه در یکی از این کمیتهها فعالیت میکنند.



حالا یک روز این خطر متوجه من میشد و میبایستی که از آن جا دور شوم، چه امروز و چه یکسال دیگر. چه بهتر که هر چه زودتر خودم را از دید این جنایتکارها بپوشانم. منم... تازه خودمان را برای فعالیتهای بعدی آماده کردیم. حالا اول کار ماست. بود از امروز بعد هرگز سراغ ما نکند بگویند رفته سافرت و گفته که کجا میروم... اگر آمدن من طول نکشد و یا اسلایبان زودبیا نتوانستم بهایم بماند دلداري بده و پایش بگره که چه هدفی در پیش دارم. (اندامدارد)

انتي و الله لو لقينهم واحداً و هم طلائع الارض كلها ما تشد هرگز ترس و هراسی بدل راه نمی دهم